



توراه اور • پاراشاها ויצא • مامار 3

וּלְלֵבָן שְׁתֵּי בָנוֹת וְגו'

و لابان دو دختر داشت



لیا و راحیل (רחל) اندیشه الهی و گفتار الهی اند؛ عوالم نهان و آشکار. یعقوب (יעקב)
راحیل را بیشتر دوست می داشت، زیرا نور بی پایان (אור אין סוף, Or Ein Sof)
بیش از همه از راه گفتار و عمل به پایین کشیده می شود؛ جایی که همگان می توانند
آن را دریافت کنند، هرچند اندیشه باید همواره همراه آن باشد.

تقدیم به افتخار

מוקדש לכבוד הגאון המקובל רבי לוי יצחק שניאורסאהן זצ"ל

پدر ربّه، رب لیوی بییتسخاک

LikuteiTorah.com



پاراشای حسیدی

/likuteitorah.com/fa/torah-ohr/vayitzei/3

مقصود اصلی

لیا و راحیل (רחל) اندیشه الهی و گفتار الهی‌اند؛ عوالم نهان و آشکار. یعقوب (יעקב) راحیل را بیشتر دوست می‌داشت، زیرا نور بی‌پایان (אור אין סוף، Or Ein Sof) بیش از همه از راه گفتار و عمل به پایین کشیده می‌شود؛ جایی که همگان می‌توانند آن را دریافت کنند، هرچند اندیشه باید همواره همراه آن باشد.

در هر بخش: متن عبری، سپس ترجمه، و پس از آن توضیحی کوتاه زیر خطی طلایی. شماره‌های کوچک در متن عبری، یادداشت‌های پایان متن هستند.

خلاصه مامار

این amar¹ دو دختر لابان (לבן) را دو «سرزمین زندگان» می‌خواند: لیا (לאה)، حروف اندیشه و عالم نهان؛ و راحیل، حروف گفتار و عالم آشکار. در روزگار معبد، راحیل در سرزمین اسرائیل آشکارا می‌درخشید و نبوت و آشکارگی آشکار را به ارمغان می‌آورد. در تبعید، راحیل، یعنی میم باز (מ"ם פתוחה، mem)، همراه اسرائیل به تبعید رفت؛ اما لیا، یعنی میم بسته (מ"ם סתומה)، در سرزمین ماند، تا צדיקים (tzaddikim؛ پارسایان) بزرگی چون آریزال (האריז"ל) بتوانند در آنجا به بینش‌های نهفته‌ای حتی برتر دست یابند. پس چرا لیا «منفور» بود؟ یعقوب «تیر میانی» است که نور بی‌پایان را از تاج (כתר، Keser) به فرمانروایی (מלכות، Malchus) پایین می‌کشد؛ از این رو مشتاق بود که این نور در پایین، در راحیل، آشکار شود. راحیل نازا بود، زیرا آشکارگی برای عوالم فرودین جدا از هم بسیار دشوار است؛ حال آنکه لیا در عالم صدور (אצילות، Atzilus) پسران آورد: یهودا (יהודה)، یعنی خودنق‌گری (ביטול، bittul) بیرونی، ریشه پادشاهی داوود (דוד)؛ روبین (ראובן) و شمعون (שמעון)، یعنی دیدن و شنیدن؛ و لاوی (לוי)، یعنی پیوند درونی و ریشه موشه (משה). نسل بیابان که ریشه در لیا داشت، می‌خواست تنها با اندیشه ה' را خدمت کند؛ اما مشخصاً گفتار و عمل‌اند که برترین نور را به پایین می‌کشند. لیا می‌خواست اندیشه اصل باشد؛ یعقوب می‌دانست که برای بیشتر اسرائیل، خدمت اصلی گفتار و عمل است، درحالی‌که اندیشه نیز با آن همراه می‌شود.

طرح کلی

- 1 دو دختر، دو سرزمین**
لیا و راحیل اندیشه و گفتارند؛ عوالم نهان و آشکار. در روزگار معبد هر دو در سرزمین می‌درخشیدند؛ در تبعید راحیل نهان و خاموش است، حال آنکه لیا، مرتبه برتر و نهان، در سرزمین می‌ماند تا צדיקים بزرگ به آن دست یابند.
- 2 چرا یعقوب راحیل را دوست می‌داشت**
یعقوب، تیر میانی، نور بی‌پایان را از تاج به فرمانروایی پایین می‌کشد و حتی بوسه درونی حکمت (חכמה، Chochmah)، فهم (בין، Binah) و شناخت (דעת، Daas) را به راحیل می‌رساند؛ لابان همان سفیدی برین مهر ناب است.
- 3 نازایی راحیل و پسران لیا**
زایش از گفتار به معنای آشکارگی در عوالم فرودین جدا از هم بود و این بسیار دشوار است؛ لیا در عالم صدور زایید. یهودا خودنق‌گری بیرونی است و لاوی پیوند درونی؛ موشه از لاوی می‌آید.
- 4 اندیشه و عمل در کنار هم**
نسل بیابان خواستار خدمتی تنها در اندیشه بود، اما عمل نور بیشتری را به پایین می‌کشد. لیا اندیشه را در جایگاه نخست می‌خواست؛ یعقوب خیمه راحیل، یعنی گفتار و عمل، را برگزید و دیدن و شنیدن برخاسته از اندیشه را نیز با آن همراه کرد.

عالم نهان و عالم آشکار *עלמא דאתכסיא ועלמא דאתגליא*

دو مرتبه از خودآشکارسازی الهی که با اندیشه خصوصی و گفتار شنیدنی انسان سنجیده می‌شوند. لیا عالم نهان است؛ راحیل عالم آشکار.

میم باز و میم بسته *מ"ם פתוחה ומ"ם סתומה*

دو صورت حرف میم. راحیل، میم باز، گشودگی‌ای باقی می‌گذارد که نیروهای بیرونی در تبعید از آن روزی می‌گیرند؛ لیا، که ریشه در میم بسته دارد، مهروموم است و در تبعید نیست.

تیر میانی *בריה התיכון*

تیری که از انتها تا انتها از میان همه تخته‌های خیمه می‌گذشت؛ نامی که زوهار برای یعقوب به کار می‌برد، زیرا او نور بی‌پایان را از برترین مرتبه به پایین‌ترین مرتبه می‌کشد.

سفیدی برین *לובן העליון*

ریشه لابان در تعلیم آریزال: سرچشمه همه مهرها، شفقتی ناب و بی‌هیچ دآوری که بر همه عالم صدور مقدم است.

پیوند و اقرار *התקשרות והודאה*

دو گونه خودنفی‌گری: پیوند درونی لاوی که از بیرون دیده نمی‌شود، و اقرار یهودا که در ظاهر نمایان می‌شود، چنان‌که در تعظیم کردن.

پایانشان در آغازشان نهفته است *נעוץ סופן בתחלתן*

اصلی از **ספר יצירה** (**ספר יצירה**) که می‌گوید پایین‌ترین مرتبه به بالاترین مرتبه پیوسته است؛ از این رو گفتار و عمل جسمانی، برترین آشکارگی را به پایین می‌کشند.

بخش 1 • 11

دو دختر، دو سرزمین

بخش 2 • 11

چرا یعقوب راحیل را دوست می‌داشت

1 وللبن شתי بنות^{1,2} וגו'. הנה לאה ורחל הם אותיות המחשבה ואותיות הדבור. שהם עלמא דאתכסיא

ועלמא دאתגליא³ (עיינ לקמן בד"ה בכ"ה בכסליו בפ"י ושם ה' קטנה רחל)

«و لابان (لبن) را دو دختر بود»، و غیره. اکنون، لیا (لاה) و راحیل (رحل)، حروف اندیشه و حروف گفتارند؛ همان عالم پنهان (עלמא دאתכסיא، alma de'iskasya) و عالم آشکار (עלמא دאתגליא، alma de'isgalya). (بنگرید به بخش بعد، در مامار آغازشونده با «در بیست و پنجم کیسلو»، در توضیح «و نام کوچکتر (הקטנה، haketanah) راحیل بود»، که [باید چنین] خوانده شود: هاء کوچک (ה' קטנה، hei ketanah): راحیل).

این مامار با آیه‌ای آغاز می‌شود که دختران لابان، لیا و راحیل، را معرفی می‌کند. در حَسیدوت، آن دو نماینده «اندیشه» و «گفتار» الهی‌اند: عالمی درونی و پنهان، و عالمی که آشکار می‌شود؛ همان‌طور که اندیشه انسان در نهان می‌ماند، حال آن‌که دیگران گفتار او را می‌شنوند. آلتِر ربه خواننده را به مامار حانوکا ارجاع می‌دهد (توراه اور، وایشو 4:35)، که عبارت «کوچکتر (הקטנה، haketanah) راحیل بود» را به صورت «هاء کوچک» می‌خواند: هاء پایانی نام چهارحرفی (ה', Havayah)، که همان فرمانروایی (מלכות، Malchus) است.

וזهو ענין בארצות החיים.⁴ ב' ארצות. שבזמן שבהמ"ק [שבית המקדש] היה קיים היו שני הבחינות מאירים בא"י [בארץ ישראל].

این است معنای «در سرزمین‌های زندگان»: دو سرزمین. زیرا هنگامی که بیت‌همیقداش برپا بود، هر دو مرتبه در سرزمین اسرائیل می‌درخشیدند.

مزمورخوان از «سرزمین‌ها»ی زندگان به صیغه جمع سخن می‌گوید. آلتِر ربه این دو سرزمین را لیا و راحیل، یعنی اندیشه و گفتار، می‌داند و می‌گوید تا زمانی که بیت‌همیقداش برپا بود، هر دو در سرزمین اسرائیل آشکارا می‌درخشیدند.

והעיקר היה בחי' רחל⁵ (שנקראת עקרת הבית)^{6,7,8} כי המחשבה מתלבשת בתוך הדבור והדבור היה מתגלה.

و مرتبه اصلی، مرتبه راحیل بود (که «ستون اصلی خانه» (עקרת הבית، akereš habayis) خوانده می‌شود)، زیرا اندیشه در گفتار متلبس می‌شود و گفتار آشکار بود.

از میان آن دو، در زمان بیت‌همیقداش راحیل (گفتار) اصلی بود؛ زیرا اندیشه پنهان نمی‌ماند، بلکه در گفتار متلبس می‌شود، و ازاین‌رو آنچه به واسطه گفتار آشکار می‌شد، اندیشه را نیز در خود داشت. «ستون اصلی خانه» بازی‌ای با واژه‌هاست: تورا می‌گوید راحیل «عقרה (عقیم) بود» (پیدایش 29:31)، و میدراش آن را به معنای «راحیل اصل و ستون خانه بود» می‌خواند (برشیت ربا 71:2).

ولפי שرحל שהוא בחי' הדבור הוא עלמא דאתגליא לכך היה אז בא"י [בארץ ישראל] גילוי אלקותו ית' שהיו חכמים גדולים בעלי רוח"ק [רוח הקודש] ונביאים (וכמו שפרש"י [שפירש רש"י / שפירוש רש"י]⁹ גבי יונה ויחזקאל¹⁰ שאין הנבואה שורה אלא בא"י [בארץ ישראל])¹¹

و چون راحیل، که مرتبه گفتار است، عالم آشکار است، در آن زمان در سرزمین اسرائیل تجلی الوهیت او، متبارک باد، وجود داشت: حکیمان بزرگی بودند که از روح قدس (روح הקודש، ruach hakodesh) برخوردار بودند، و نیز پیامبرانی بودند (چنان که راشی (رש"י) درباره یونا (יונה) و یحزقیل (יחזקאל) توضیح می دهد که نبوت تنها در سرزمین اسرائیل قرار می گیرد).

از آنجا که راحیل «عالم آشکار» است، برجستگی او در سرزمین اسرائیل به این معنا بود که الوهیت در آنجا آشکارا دیده می شد: در حکمانی که از روح قدس (روح הקודש، ruach hakodesh) برخوردار بودند و در پیامبران. راشی می گوید یونا به خارج از سرزمین گریخت، زیرا شخینا (שכינה، Shechinah) بیرون از سرزمین قرار نمی گیرد؛ و شخینا بر یحزقیل در بابل قرار گرفت، تنها از آن رو که پیشتر در سرزمین بر او قرار گرفته بود.

ובפרט בהמ"ק [בית המקדש] והשראת השכינה בקה"ק [בקדש הקדשים] ואורים ותומים ועבודת הקרבנות שהי' [שהיה] יורד אש שלמעלה. משא"כ אחר חורבן בהמ"ק [בית המקדש] שגלו ישראל וגלתה עמהם השכינה.¹²

و به ویژه [چنین بود در] بیت همیقداش، و سکونت شخینا در قدس الاقداس، و اوریم و تومیم (اوریم ותומים، Urim v'Tumim)؛ ابزارهایی که کاهن اعظم از طریق آن ها پاسخ می گرفت، و خدمت قربانی ها، که در آن آتشی از بالا فرود می آمد. اما پس از ویرانی بیت همیقداش چنین نیست؛ اسرائیل به تبعید رفت و شخینا نیز همراه آنان به تبعید رفت.

بیت همیقداش تجلی آشکار بیشتری می افزود: شخینا در قدس الاقداس، اوریم و تومیم که کاهن اعظم از طریق آن ها پاسخ می گرفت، و آتشی که از آسمان بر مذبح فرود می آمد. پس از ویرانی، به گفته حکیمان، خود شخینا نیز همراه قوم یهود به تبعید رفت.

שהיא בחי' רחל שהיא בבחי' גלות בע' [בשבטים] שר"י ואינה מאירה כלל¹³ מערך הגלוי שהיתה מאירה בזמן הבית שהי' [שהיה] הדבור מתגלה משא"כ עכשיו כתיב כרחל לפני גוזזי' נאלמה.¹⁴

[شخینا] همان مرتبه راحیل است که در میان هفتاد شاهزاده در حالت تبعید قرار دارد و در قیاس با تجلی ای که در زمان بیت همیقداش از آن می درخشید، هیچ نمی درخشد؛ آن زمان گفتار آشکار بود، اما اکنون نوشته شده است: «چون میشی پیش پشم چینانش، خاموش است.»

شخینای تبعیدشده همان راحیل، یعنی مرتبه گفتار، است که اکنون در میان «هفتاد شاهزاده» —نیروهای آسمانی حاکم بر ملت ها— پنهان است. آلتز ربه عبارت اشعیا، «چون میشی (רחל، rachel) پیش پشم چینانش، خاموش است»، را به راحیل، یعنی گفتار الهی، تفسیر می کند که خاموش شده است: او دیگر همچون گذشته نمی درخشد.

והעבודה היא בדרך בירורים¹⁵ כו' (וכמ"ש ע"פ במדבר סיני)¹⁶ ומ"מ נשאר מאיר בא"י [בארץ ישראל] בחי'

לאה והיא מדרגה יותר גבוה מבחי' רחל וכמשל המחשבה שהיא רוחניות ונעלית מן הדבור

و خدمت الهی از راه پالایشها (بیروریم, beirurim) است، و غیره. (چنانکه در توضیح «در بیابان سینا» آمده است).
باینهمه، مرتبۀ لیا در سرزمین اسرائیل همچنان می‌درخشد، و او مرتبۀ ای بالاتر از مرتبۀ راحیل است؛ مانند اندیشه که روحانی است و از گفتار والاتر.

در تبعید، کار انسان «پالایش» (بیروریم, beirurim) است: بیرون کشیدن و بالا بردن جرعه‌های قدسی‌ای که در جهان افتاده‌اند، به جای بهره‌مندی از تجلّی آشکار. باینهمه، چیزی همچنان در سرزمین اسرائیل می‌درخشد: لیا، مرتبۀ اندیشه، که از گفتار بالاتر است؛ همان‌گونه که اندیشه از واژه‌هایی که آن را بیان می‌کنند روحانی‌تر و والاتر است.

(שהיא אינה בגלות כי רחל נק' מ"ם פתוחה שיש ממנה פתח ומבוא ליניקת החיצונים בזמן הגלות)

משא"כ מבחי' מ"ם סתומה.¹⁷ ושם הוא שרש לאה עיין בזהר ר"פ תרומה דף קכ"ו ב' ¹⁸ ודף קכ"ז)

(زیرا او در تبعید نیست: راحیل «میم گشوده» (م"ם پتוחה, mem pesuchah) نامیده می‌شود، زیرا از آن راهی و مدخلی برای نیروهای بیرونی هست تا در دوران تبعید از آن تغذیه کنند؛ اما در مرتبۀ «میم بسته» (م"ם סתומה, mem setumah) چنین نیست. ریشه لیا آن‌جاست. بنگرید به زوهار، آغاز پارتیت تروما، صفحه 126b و صفحه 127).

لیا در تبعید نیست. شکل پایانی حرف میم (ם) از هر سو بسته است، حال آن‌که میم معمولی (מ) در پایین گشودگی دارد. راحیل، یعنی گفتار، همان میم گشوده است که در دوران تبعید نیروهای بیرونی (קליפה, kelipah؛ پوستۀ پنهان‌کننده قدسیّت) می‌توانند از آن تغذیه کنند؛ ریشه لیا در میم بسته است و آنان راهی برای ورود به آن ندارند. آلتّر ربه خواننده را به زوهار، در آغاز تروما، ارجاع می‌دهد.

אך לפי שהוא עלמא דאתכסיא והעלם לכך אין הגילוי אלקות עכשיו בא"י [בארץ ישראל] מערך הגילוי

שהי' [שהיה] בזמן בהמ"ק [בית המקדש] קיים.

اما چون آن عالم پنهان و پوشیدگی است، ازاین‌رو تجلّی الوهیت اکنون در سرزمین اسرائیل با تجلّی‌ای که در زمان برپایی معبد مقدس بود قابل قیاس نیست.

اما چون لیا عالم پنهان است، نور او آشکارا ظاهر نمی‌شود. از همین رو، الوهیت در سرزمین اسرائیل امروز به همان صورتی که در زمان معبد دیده می‌شد، آشکار نیست.

ומ"מ הצדיקים הגדולים אשר בארץ יכולים להשיג עכשיו בא"י [בארץ ישראל] השגות עליונות יותר אפי' [אפילו] ממה שהשיגו צדיקים כמותם בזמן הבית (מאחר שההשגה היא בבחי' מחשבה עליונה כמו שהיא עדיין למעלה מהתלבשות בעולם הדבור)

بااین حال، صالحانِ بزرگ (צדיקים, tzaddikim) که در سرزمین هستند، اکنون می توانند در سرزمین اسرائیل دریافت هایی برتر از آنچه صالحانِ هم پایه آنان در زمان معبد دریافت می کردند، به دست آورند؛ زیرا این دریافت در مرتبه اندیشه اعلی است، آن گونه که هنوز فراتر از پوشیده شدنش در عالم گفتار قرار دارد.

این پنهانی، امتیازی نهفته دارد. صالحانِ بزرگ که در سرزمین اسرائیل زندگی می کنند، اکنون می توانند به بینش هایی برتر از بینش هایی دست یابند که صالحانِ هم پایه آنان در زمان معبد به آن رسیده بودند؛ زیرا آنچه در سرزمین باقی مانده، لیا است: اندیشه اعلی، آن گونه که در خود آن است و هنوز در گفتار پوشیده نشده است.

וכמו האר"י [האלקי רבי יצחק] ז"ל [זכرونو לברכה / זכرونם לברכה]¹⁹ שהשיג השגות עצומות מה שלא השיגו צדיקים גדולים בדורות הקדמונים.²⁰

چنین بود حال آریزال (הاریז"ل) که به دریافت هایی عظیم دست یافت که صالحانِ بزرگ نسل های پیشین به آن ها دست نیافته بودند.

آریزال، ربی اسحاق (יצחק) لوریا از صفد، گواه این امر است: او در سرزمین اسرائیل به ژرفای کبالا دست یافت که صالحانِ بزرگ نسل های پیشین به آن نرسیده بودند.

ולהבין מ"ש כי שנראה לאה^{23, 22, 21} כו'. הרי יעקב השיג ודאי בעלמ' [בעלמא] דאתכסי'.²⁴

اما برای فهم آنچه نوشته شده است، «لیا منفور بود» و غیره: بااین همه، یعقوب (יעקب) بی گمان عالم پنهان را درک می کرد!

اکنون پرسشی پیش می آید: تورات می گوید **ה'** دید که «لیا منفور بود»، یعنی یعقوب او را کمتر از راحیل (רחל) دوست داشت. چرا یعقوب گفتار را بر مرتبه برتر اندیشه ترجیح می داد، حال آنکه بی گمان می توانست عالم پنهان را درک کند؟ (یادداشت کھوت خاطرنشان می کند که گفتار موازی در تورات حاییم (تורה חיים) می گوید یعقوب اصلاً آن را درک نمی کرد؛ زیرا در آنجا عالم پنهان به ریشه لیا اشاره دارد که فراتر از هرگونه درک است.)

אך הענין כי יעקב נק' בריח התיכון²⁵ המברית מן הקצה אל הקצה.²⁶ פי' שהוא הממשיך אור א"ס ב"ה מן הקצה עליונה (היינו הקו הבוקע החלל כמ"ש במ"א)²⁷ מבחי' כתר למטה ולכן נאמר בו תוספת וי"ו ואלקי יעקב.

אما توضیح این است که یعقوب «میله میانی» نامیده می‌شود؛ میله‌ای که از یک سر تا سر دیگر امتداد می‌یابد. یعنی او کسی است که نور بی‌پایان (אור אין סוף, Or Ein Sof) – که متبارک باد – را از سر بالایی، یعنی خط نور (קו, kav) که فضای خالی شده را می‌شکافد، چنان‌که در جای دیگری شرح داده شده است، از مرتبه تاج (כתר, Keser) به پایین امتداد می‌دهد؛ و از این رو، حرف واو افزوده‌ای درباره او آمده است: «و אלקים یعقوب».

پاسخ با نامی آغاز می‌شود که زوهار (זהר) برای یعقوب به کار می‌برد: «میله میانی» مبشکان، که از میان همه تخته‌ها، از یک سر تا سر دیگر امتداد داشت. یعقوب نور بی‌پایان را از سر بالایی، یعنی خط نور باریکی که پس از انقباض (צמצום, tzimtzum) وارد فضای خالی شده می‌شود، از تاج به پایین و از میان همه مراتب امتداد می‌دهد. حرف واو افزوده در عبارت «و אלקים یعقوب» – که در نام‌های ابراهیم و اسحاق نیست – نشانگر این امتداد به پایین است: حرف واو خطی است که به پایین کشیده می‌شود.

וכן והנורא²⁸ שמייחד ומחבר חו"ג [חסד וגבורה] ע"י המשכת והארת האין והיינו ע"י בחי' בטול. וכל ההמשכו' שלו הוא עד הקצה התחתונה. דהיינו בבחי' מלכות עלמא דאתגלייא.

همچنین «و مهیب»، زیرا او مهر (חסד, Chesed) و قید و سخت‌گیری (גבורה, Gevurah) را از طریق امتداد و تابش نیستی (אין, Ayin) [نیستی]، یعنی از طریق مرتبه خودنفی‌گری (ביטול, bittul)، به هم پیوند می‌دهد. و همه امتدادهای او تا سر پایینی می‌رسد؛ یعنی به مرتبه فرمانروایی (מלכות, Malchus)، عالم آشکار.

در برکت «بزرگ، نیرومند و مهیب»، این سه واژه با ابراهیم (مهر)، اسحاق (قید و سخت‌گیری) و یعقوب، «مهیب»، متناظرند؛ یعقوب آن دو را به هم پیوند می‌دهد. او می‌تواند مهر و قید و سخت‌گیری را به هم پیوند دهد، زیرا نیستی الهی را که فراتر از هر دو است به پایین امتداد می‌دهد؛ و در انسان، این امر به صورت خودنفی‌گری ظاهر می‌شود. امتداد او در نیمه راه نمی‌ایستد: به «سر پایینی»، یعنی فرمانروایی، عالم آشکار، می‌رسد.

וזהו ויאהב (יעקב) גם את רחל²⁹ מלאה שכל תשוקתו היה להיות גילוי אור א"ס ב"ה למטה בעלמא דאתגלייא שע"ז יוכלו הכל לקבל משא"כ מבחי' עלמא דאתכסייא כו'

این [معنای] «و یعقوب راحیل را نیز بیش از لیا دوست داشت» است: تمام اشتیاق او این بود که نور بی‌پایان در پایین، در عالم آشکار، تجلی یابد؛ زیرا از این راه همه می‌توانند دریافت کنند، برخلاف مرتبه عالم پنهان و غیره.

از همین رو یعقوب راحیل را بیش از لیا دوست داشت. تمام خواست او این بود که نور بی‌پایان در پایین، در عالم آشکار گفتار، تجلی یابد؛ زیرا در آنجا همه می‌توانند آن را دریافت کنند، برخلاف عالم پنهان.

ولبن کتیب ویשק³⁰ یعقب לרחל³¹ על דרך شنקוד על ویשקה

و از این رو نوشته شده است: «و یعقوب راحیل را بوسید»، به شیوه [آنچه درباره] واژه نقطه گذاری شده «و او را بوسید» آمده است:

از این رو تورات می گوید که یعقوب راحیل را بوسید، و آلتز ربه (ادموی"ر הזקן) این بوسه را مانند واژه نقطه گذاری شده «و او را بوسید» می خواند؛ آنجا که عیسو (עשו) با یعقوب دیدار کرد. راشی دو برداشت از آن نقطه ها می آورد: اینکه عیسو او را از صمیم دل نبوسید؛ یا، به گفته ربی شمعون بار یوحای (רבי שמעון בר יוחאי)، در آن لحظه شفقت عیسو برانگیخته شد و او را از صمیم دل بوسید. سطرهای بعد نشان می دهد که منظور آلتز ربه بوسه ای از ژرفای درونی عشق است.

דהיינו שבח"י חב"ד [חכמה בינה ודעת] שהוא זיווג נשיקין ואתדבקו' רוחא ברוחא עד"מ הנשיקין שבאין מפנימית האהבה (עמ"ש במ"א ע"פ ישקני מנשיקות^{32,33} וע"פ אמצאך בחוץ^{34,35} אשקך) וגם בח"י זו המשך ברחל.

یعنی مرتبه حکمت (חכמה, Chochmah)، فهم (בינה, Binah) و شناخت (דעת, Daas)، که همان پیوند بوسه ها و پیوستن روح به روح است؛ مانند بوسه هایی که از بُعد درونی (פנימיות, pnimiyus) عشق سرچشمه می گیرند (بنگرید به آنچه در جای دیگر درباره «بگذار مرا با بوسه ها ببوسد» و درباره «تو را بیرون می یافتم و می بوسیدمت» توضیح داده شده است)؛ او این مرتبه را نیز به راحیل (רחל) فرود آورد.

در تعبیر زوهار (זוהר)، بوسه پیوند روح با روح است؛ نزدیکی درونی ای که از ژرفای عشق سرچشمه می گیرد. در مراتب تجلی (ספירות, Sefiros)، این پیوند با عقل، یعنی **חכמה, בינה** و **דעת**، متناظر است. یعقوب (יעקوب) حتی این مرتبه درونی و عقلانی را نیز به راحیل کشاند تا گفتار، ژرفای اندیشه را در خود داشته باشد. آلتز ربه (ادموی"ر הזקן) به توضیحات خود درباره دو آیه از غزل غلها (שיר השירים, Shir HaShirim) اشاره می کند که درباره بوسه اند.

וז"ש [זוהר שכתוב] אעבדך שבע שנים ברחל³⁶ בתך הקטנה כי לבן הוא בח"י לובן העליון^{37,38} מקור
החסדים שכולו רחמים פשוטים دلית שמאלא בהאי עתיקה³⁹

و این همان است که نوشته شده است: «هفت سال برای راحیل، دختر کوچکترت، خدمتت خواهم کرد.» زیرا لابان (لبن) مرتبه سفیدی برین (لובن, loven)، خاستگاه مهرها (חסדים, chasadim) است؛ سفیدی ای که سراسر رحمت محض است، زیرا «در عתיקה (Atika) [کهن سال] هیچ جانب چپی نیست»؛

«هفت سال برای راحیل، دختر کوچکترت، خدمتت خواهم کرد»: یعقوب به لابان خدمت می کند تا نور لابان را به راحیل، یعنی گفتار و مرتبه فروتر، فرود آورد. لابان، که نامش به معنای «سفید» است، در تعلیم آریزال (הاریז"ל) همان «سفیدی برین»، خاستگاه همه مهرهاست؛ رحمت محض، بی هیچ نشانی از داوری. زوهار درباره این مرتبه، **عתיקה**، می گوید که «جانب چپ ندارد»؛ یعنی در آن هیچ سخت گیری ای نیست.

רק שלמטה נשפל בלבן גשמי⁴⁰ ומ"מ כתיב כלו הפך לבן טהור⁴¹ הוא אפי' [אפילו] הנגע כו' ועל לבן כתיב וישכם לבן בבקר⁴² שבכ"י [שבכל יום] מתגבר ونמשך אור החסד עליון.

تنها اینکه در پایین، به صورتِ لابانی جسمانی فرود آمد. با این همه، نوشته شده است: «تمامش سفید شده است؛ او پاک است»؛ حتی آن آفت و غیره. و دربارهٔ لابان نوشته شده است: «لابان بامدادان برخاست»، زیرا هر روز نورِ مهرِ برین (חסد، Chesed) نیرو می‌گیرد و به پایین فرود می‌آید.

لابان جسمانی فریکار بود، اما ریشه‌اش مقدس است: سفیدیِ برین بسیار فرو افتاد و به انسانی جسمانی بدل شد. قانونِ צרעת (tzaraas) [آفتِ پوستی آیینی] این نکته را روشن می‌کند: وقتی لکهٔ سفید تمام بدن را می‌پوشاند، آن شخص پاک به‌شمار می‌آید. آیهٔ «لابان بامدادان برخاست» اشاره دارد به اینکه بامداد، هنگام مهر، زمانی است که مهرِ برین نیرو می‌گیرد و هر روز به پایین جاری می‌شود.

بخش 3 • 211

نازایی راحیل و پسرانِ لیا

بخش 4 • 211

اندیشه و عمل در کنار هم

2 وینשק לבניו⁴³ ובנותיו שנמשך בכל פרצופי האצי' זכרים ונקבות. ואח"כ ולבן שב למקומו למעלה מעלה ויעקב הלך לזרכו⁴⁴ להמשיך בחינת לובן העליון הנ"ל למטה מטה ברחל בתו הקטנה בחי' דבור כו'.

«و بر پسران و دخترانش بوسه زد»: [یعنی] آن به همهٔ پیکره‌های (פרצופים, partzufim) عالمِ صدور (אצילות, Atzilus)، هم مذکر و هم مؤنث، کشیده می‌شود. سپس «و لاوان (לבן) به جایگاه خود بازگشت»، به مرتبه‌ای هرچه بالاتر، و «يعقوب (יעקب) به راه خود رفت» تا مرتبهٔ سپیدیِ برینِ یادشده را پایین‌تر و پایین‌تر، در راحیل (רחל)، دختر کوچک‌ترش، یعنی مرتبهٔ گفتار، و جز آن، فرود آورد.

لاوان، سپیدیِ برین، «بر پسران و دخترانش بوسه زد»: مهر او به همهٔ پیکره‌های (פרצופים, partzufim) عالمِ صدور، اعم از مذکر و مؤنث، جاری شد. سپس او «به جایگاه خود بازگشت» و به ریشهٔ بلند خویش بازگشت، حال آنکه یعقوب «به راه خود رفت»؛ مأموریت او این بود که آن سپیدیِ برین را تا اعماق پایین، در راحیل، یعنی مرتبهٔ گفتار، فرود آورد.

ולכן היתה רחל עקרה⁴⁵ כי ההולדה מבחי' הדבור הוא להיות הגילויי בבי"ע וא"א להיות הולדה וגילויי בבי"ע שהרי הנבראים הם נפרדים וא"א להתגלות להם בחי' לוכן העליון הנ"ל.

و ازاین‌رو راحیل نازا بود؛ زیرا زایش از مرتبهٔ گفتار یعنی آنکه در عوالم آفرینش (בריאה, Beriah)، صورت‌بخشی (יצירה, Yetzirah) و عمل (עשיה, Asiyah) تجلی پدید آید. اما زایش و تجلی در عوالم آفرینش، صورت‌بخشی و عمل ناممکن است، زیرا آفریدگان موجوداتی جدا هستند و امکان ندارد مرتبهٔ سپیدی برین یادشده بر آنان آشکار شود.

این توضیح می‌دهد که چرا راحیل نازا بود. «زاییدن» گفتار یعنی آنکه الوهیت در عوالم فرودین آفرینش، صورت‌بخشی و عمل آشکار شود؛ عوالمی که آفریدگان در آنها خود را از ה' جدا احساس می‌کنند. چنین آفریدگانی نمی‌توانند سپیدی برین را آشکارا دریافت کنند؛ ازاین‌رو زایش از راحیل متوقف ماند.

(ומש"ל [ומה שכתוב לעיל] דרחל נק' עלמא דאתגלייא מ"מ להיות הגילויי ע"ד בחי' לידה הוא קשה ביותר כו' ויש חילוק גדול בין שארי השפעות לבחי' לידה שהוא גילויי עליון יותר ועמ"ש בזוהר פ' פנחס דרמ"ט)⁴⁶

(و دربارهٔ آنچه پیش‌تر گفته شد که راحیل «جهان آشکار» نامیده می‌شود، باین‌همه، آنکه تجلی به شیوهٔ مرتبهٔ زایش باشد بسیار دشوار است و جز آن. میان دیگر گونه‌های تأثیرگذاری و مرتبهٔ زایش تفاوتی بزرگ هست؛ زایش تجلی‌ای برتر است. بنگرید به آنچه در زوهار (זהר)، پاراشات پینحاس، صفحهٔ 249 نوشته شده است.)

ادمو"ר זקן اعتراضی را پیش‌بینی می‌کند: راحیل «جهان آشکار» است، پس چرا نمی‌تواند آشکار کند؟ زیرا زایش جریان معمولی تأثیرگذاری نیست؛ چیزی از ذاتِ نهفتهٔ والد را بیرون می‌آورد و ازاین‌رو نوعی تجلی بسیار برتر است. پدید آمدن چنین تجلی‌ای در عوالم فرودین بسیار دشوار است. او برای این تفاوت به زوهار دربارهٔ پینحاس، صفحهٔ 249، ارجاع می‌دهد.

אבל לאה שהיא המחשבה ילדה ששה בנים שהם הספי' [הספירה / הספירות] שבאצי' ⁴⁷ עצמו ששם היה שרש השבטים ולכן נק' שבטי ⁴⁸ יה.

اما لیا (لاה)، که اندیشه است، شش پسر زایید؛ آنان همان مراتبِ تجلی (ספירות, Sefiros) در خودِ عالم صدور بودند، زیرا ریشهٔ قبایل در همان‌جا بود؛ ازاین‌رو «قبایلِ יה» نامیده می‌شوند.

لیا، یعنی اندیشه، فرزندی زایید: شش پسر. زایش‌های او در خودِ عالم صدور، در میان مراتبِ تجلی، رخ داد؛ آنجا که جدایی مانعی بر سر راه تجلی نیست. ریشهٔ قبایل در همان‌جاست و ازاین‌رو سرایندهٔ مزامیر آنان را «قبایلِ יה» می‌خواند. יה، یعنی ייה (یود-هی)، دو حرف نخستِ نام چهارحرفی (הי, Havayah) است و به حکمت و فهم، مرتبهٔ اندیشه، اشاره دارد.

יהודה הפעם אודה⁴⁹ בחי' בטול והודאה הרי הוא נמשך ומסתעף מן המחשבה דוקא.

یهودا (یهודה)، «این بار اقرار می‌کنم» (אודה, odeh)، مرتبه خودنفی‌گری (ביטול, bittul) و اقرار است؛ این مرتبه به‌ویژه از اندیشه کشیده می‌شود و از آن منشعب می‌گردد.

لیا نام یهودا را از عبارت «این بار اقرار می‌کنم» (אודה, odeh) برگرفت. اقرار گونه‌ای از خودنفی‌گری است؛ چنین سر فرود آوردنی در برابر ה' از اندیشه و تأمل سرچشمه می‌گیرد، نه از گفتار.

וכן ראובן ושמעון ראייה ושמיעה הוא ג"כ למעלה מבחי' הדבור אלא מן המחשבה הן נמשכים כו' (כמ"ש במ"א ע"פ יהודה אתה^{50, 51} כו')

همچنین روبین (ראובن) و شیمعون (שמعون)—دیدن و شنیدن—نیز فراتر از مرتبه گفتارند؛ بلکه از اندیشه سرچشمه می‌گیرند و جز آن. (چنان‌که در جای دیگر، در توضیح «یهودا، تو...» آمده است.)

نام روبین از «دیدن» و نام شیمعون از «شنیدن» گرفته شده است: هنگام زایش آنان، ה' «رنج مرا دید» و «شنید» (پیدایش 29:32-33). دیدن و شنیدن دریافت می‌کنند، نه آنکه چیزی را بیان کنند؛ ازاین‌رو آنها نیز فراتر از گفتارند و از اندیشه سرچشمه می‌گیرند. אדמו"ר הזקן به مقاله خود درباره «یهودا، تو...» اشاره می‌کند؛ در آنجا روبین دیدنی است که عشق را برمی‌انگیزد و شیمعون شنیدنی است که هیبت می‌آورد. عشق و هیبت (אהבה وיראה, ahavah veyirah).

וגם לוי שהוא בחי' התקשרות כמ"ש הפעם ילוה⁵² כו' נמשך ونולד ג"כ מן המחשבה

و نیز لاوی (לוי)، که مرتبه پیوند است—چنان‌که نوشته شده: «این بار [شوهرم] به من پیوسته خواهد شد» (ילוה, yilaveh) و جز آن—او نیز از اندیشه سرچشمه می‌گیرد و از آن زاده می‌شود،

نام لاوی از «پیوسته خواهد شد» (ילוה, yilaveh) گرفته شده است: «این بار شوهرم به من پیوسته خواهد شد.» ازاین‌رو لاوی نمایانگر پیوند (התקשרות, hiskashrus) است؛ پیوندی ژرف از جنس ذهن، که آن نیز از اندیشه زاده می‌شود.

כנראה בחוש במי שהוא בעל מחשבה שאינו מרגיש כלל בעסקים החולפים לפניו מחמת גודל התקשרות שיש לו בהמחשבה.

چنان‌که به‌روشنی در تجربه دیده می‌شود: کسی که در اندیشه غرق است، به سبب شدت پیوندش با آن اندیشه، اصلاً از کارهایی که پیش چشمش می‌گذرند آگاه نمی‌شود.

هرکس می‌تواند این را در کسی ببیند که عمیقاً در اندیشه فرورفته است: او از آنچه پیرامونش می‌گذرد باخبر نمی‌شود، زیرا ذهنش سراسر به آن اندیشه بسته است.

وּכְמִ"שׁ בַּמִּדְרָשׁ בַּעֲבוּדָא דְר' [דְּרַבִּי] חִיָּיא רַבָּה.^{53, 54} וְכֵן גַּבִּי רַבָּא (בַּפ' אֲרִ"ע [אֲמַר רַבִּי עֲקִיבָא])⁵⁵ דְּהוּא מַעֲיִין בַּשְּׁמַעְתִּי [בַּשְּׁמַעְתִּיה] כּו'.

و چنان‌که در میدراش، در ماجرای ربی حیا ربه (رבי حییא رבה) نقل شده است؛ و نیز دربارهٔ ربا (ربא)، در فصلی «رَبִּי עֲקִיבָא گفت»، که سرگرم ژرف‌اندیشی در درس خود بود و جز آن.

دو داستان این مطلب را روشن می‌کنند. در تلمود اورشلیمی (Kilayim 9:3)، چنان‌که یادداشتِ Kehot نشان می‌دهد، ربی حیا ربه پیش از ربی ییشماعیل، پسر ربی یوسی (רַבִּי יִשְׁמָעֵאל בֶּן רַבִּי יוֹסִי)، در گرمابه برنخاست، زیرا در آن لحظه ذهنش سراسر کتاب مزامیر را مرور می‌کرد؛ و تلمود بابلی نقل می‌کند که ربا، غرق در مطالعه، متوجه نشده بود انگشتانش خون‌ریزی می‌کنند.

וְלֹכֵן יִצְא מִמֶּנּוּ מֹשֶׁה⁵⁶ שֶׁהִיָּה כְבֵד פַּה וְכַבֵּד לִשּׁוֹן⁵⁷ דְּהֵיִינוּ שְׁלִגּוּדֵל הַתְּקַשְׁרוֹתוֹ בַּבְּחִי' בַּטּוֹל⁵⁸ וְנַחֲנוּ מַה⁵⁹ לֹא הִיָּה יָכוֹל לִהְיוֹת מִשְׁפִּיעַ כּו' שֶׁהִיָּא בַּחִי' הַדְּבוּר כּו'.

و از همین‌رو موسی (مُوشه) از او پدید آمد؛ او «دهان‌سنگین و زبان‌سنگین» بود. یعنی چون پیوندش در مرتبهٔ خودنهی‌گری (ביטול, bittul) و «و ما چه هستیم؟» بسیار ژرف بود، نمی‌توانست عطاکننده باشد و جز آن؛ زیرا عطا کردن مرتبهٔ گفتار است و جز آن.

از همین‌رو موسی از لاوی (لוי) پدید آمد. موسی گفت که «دهان‌سنگین و زبان‌سنگین» است: پیوند او با ה' و خودنهی‌گری‌اش، که در سخن «و ما چه هستیم؟» بیان می‌شد، چنان ژرف بود که به‌آسانی نمی‌توانست رو به دیگران کند و به آنان عطا کند؛ و عطا کردن به دیگران مرتبهٔ گفتار است.

וְעִיקָר הַהִפְרָשׁ בֵּין הַתְּקַשְׁרוֹת דְּלוֹי שֶׁהוּא בַּחִי' בַּטּוֹל וּבֵין הוֹדִיָּה דִּיהוּדָה שֶׁהוּא גִ"כ בַּחִי' בַּטּוֹל הוּא כִּי יְהוּדָה הוּא בַּחִי' הַבַּטּוֹל בְּגִילּוֹי כַּעֲנִין מוֹדִים שְׂכוּרַע וּמִשְׁתַּחֲוָה

و تفاوت اصلی میان پیوند لاوی، که مرتبهٔ خودنهی‌گری است، و اقرارِ یهودا (יהודה)، که آن نیز مرتبهٔ خودنهی‌گری است، این است که یهودا مرتبهٔ خودنهی‌گری در حالتِ آشکار است؛ مانند [دعای] «سپاس می‌گوییم» (מודים, Modim)، که در آن انسان خم می‌شود و سر فرود می‌آورد.

اکنون آدم‌ها میان پیوند لاوی و اقرارِ یهودا تمایز می‌گذارد، زیرا هر دو خودنهی‌گری‌اند. خودنهی‌گریِ یهودا آشکار و بیرونی است؛ مانند خم‌شدن در دعای مودیم، دعای سپاس در عمیدا، که در آن انسان بدنش را خم می‌کند.

וְלֹכֵן יִצְאוּ מִמֶּנּוּ מַלְכֵי בֵּית דּוֹד שְׁבַטוֹלָם הוּא בַּחִי' הַבַּטּוֹל שְׁבַהֲתַגְלוֹת וַחֲצוֹנוֹיוֹת.

و از همین‌رو پادشاهانِ خاندانِ داوود (דוד) از او پدید آمدند؛ خودنهی‌گریِ آنان خودنهی‌گری‌ای است که در آشکارگی و بُعد بیرونی (חיצוניות, chitzoniyyus) قرار دارد.

پس پادشاهانِ خاندانِ داوود، که از یهودا نسل می‌برند، خودنهی‌گری‌ای را مجسم می‌کنند که آشکارا خود را نشان می‌دهد؛ در آشکارگی و در بُعد بیرونی.

أبل لوی שהוא بخی' ההתקשרות והבטול בפנימיותו ועצמותו הגם שבחיצוניות אינו נגלה כלל וכענין בטול דצבא השמים לך משתחיים⁶⁰ שהשתחואה של המלאכים אינו ענין השתחואה גשמיות אלא שמשתחואה⁶¹ ובטל בהשגתו ברוחניות

اما لاوی مرتبة پیوند و خودنهی گری در بُعد درونی (פנימיות, pnimiyus) و در ذات اوست، هرچند این امر در ظاهر اصلاً آشکار نیست؛ مانند خودنهی گری «سپاه آسمان در برابر تو سجده می کنند»: سجده فرشتگان سجده ای جسمانی نیست، بلکه [هر یک] در دریافت روحانی خود سجده می کند و خود را بی اعتبار می شمارد.

خودنهی گری لاوی درونی و ذاتی است و اصلاً به چشم نمی آید. این همانند حال فرشتگان است که درباره شان گفته شده: «سپاه آسمان در برابر تو سجده می کنند». فرشتگان بدنی ندارند که با آن سجده کنند؛ پس سجده آنان خودنهی گری وجودشان در هنگام دریافت ه' است.

ولכן יצא ממנו משה (ועמ"ש במ"א ההפרש בין משה ואליהו שהוא גם כן עד"ז) ואח"כ ותעמוד מלדת שלא היה יכול להיות בخی' גילוי עוד.

و از همین رو موسی از او پدید آمد (و بنگرید به آنچه در جای دیگری درباره تفاوت میان موسی و الیاهو (الیهو) توضیح داده شده است؛ این تفاوت نیز بر همین اساس است). و پس از آن، «او از زادن بازایستاد»، زیرا دیگر امکان مرتبه ای از آشکاری وجود نداشت.

از همین رو موسی، که درونی ترین همه بود، از لاوی پدید آمد؛ آدمور هازاکن یادآور می شود که تفاوت میان موسی و الیاهو نیز از همین الگو پیروی می کند. پس از چهار پسر، لیا (لاה) «از زادن بازایستاد»: آشکاری ای که اندیشه می توانست پدید آورد، به حد خود رسید.

(ועמ"ש ע"פ טובה הארץ מאד מאד^{62, 63} דענין דור המדבר שהיה מבחי' לאה עולם המחשבה ושענו למח צריכים לירד בבחי' עולם הדבור שהוא בخی' מל' ארץ תתאה לקיים המצות בדבור ובמעשה הלא זה אפשר לקיים גם ע"י התומ"צ [התורה ומצות] ברוחניות דהיינו ע"י המחשבה כו')

(و بنگرید به آنچه درباره «زمین بسیار، بسیار نیکوست» توضیح داده شده است: نسل بیابان از مرتبه لیا، جهان اندیشه، بود؛ و آنان استدلال می کردند: چرا باید به مرتبه جهان گفتار فرود آییم، که مرتبه فرمانروایی (מלכות, Malchus)، زمین فروتر است، تا מצות (mitzvos [فرمان های دینی]) را با گفتار و کردار به جا آوریم؟ آیا نمی توان این را از راه تورا و מצות در بُعد روحانی نیز به جا آورد، یعنی از راه اندیشه و جز آن؟)

اکنون پراختی بلند این مطلب را به نسل بیابان پیوند می دهد؛ آنان ریشه در لیا، جهان اندیشه، داشتند. استدلالشان، چنان که آدمور هازاکن آن را بیان می کند، این بود: چرا باید وارد سرزمین شویم، یعنی زمین فروتر فرمانروایی، و מצوت را با گفتار و کردار جسمانی به جا آوریم، حال آن که می توان تورا و מצوت را به صورت روحانی و در اندیشه به جا آورد؟

אך באמת היו בטעות גדול דע"י דבור ומעשה דוקא נמשך גילוי אוא"ס [אור אין סוף] ב"ה ביתר שאת לאין קץ כי נעוץ סופן בתחלתן⁶⁴ כו' ומרבע"ה [ומשה רבינו עליו השלום] התפלל תקט"ו תפלות⁶⁵ ליכנס לארץ⁶⁶ כו'.

اما در حقیقت، آنان سخت در اشتباه بودند؛ زیرا مشخصاً از راه گفتار و کردار است که آشکارگی نور بی‌پایان (اور אין סוף, Or Ein Sof)، ה' متبارک باد، به‌گونه‌ای بی‌نهایت برتر فروکشیده می‌شود؛ زیرا «پایانشان در آغازشان جای گرفته است» و جز آن. و موسی رَینو برای ورود به سرزمین ۵۱۵ بار دعا کرد و جز آن.

آنان به‌کلی در اشتباه بودند. مشخصاً گفتار و کردار جسمانی است که نور بی‌پایان را با نیرویی بسیار عظیم‌تر فرو می‌کشد؛ زیرا چنان‌که ספר יצירה (ספר יצירה) می‌گوید، «پایانشان در آغازشان جای گرفته است»: فروترین نقطه با برترین نقطه پیوند دارد. از همین‌رو موسی رَینو، با آن‌که از سنخ درونی لیا بود، ۵۱۵ بار دعا کرد تا اجازه یابد وارد سرزمین شود؛ این همان عددی است که میدراش از واژه ואתחנן (va'eschanan، «و من تضرع کردم») به دست می‌آورد.

ועפ"ז [ועל פי זה] יובן עוד ענין ויאהב יעקב את רחל⁶⁷ דוקא שהיא בחי' דבור ומעשה כי שנואה לאה ההפך מכוונת דור המדבר.

بر این اساس، مطلب «یعقوب (یعقوب) را حایل (رحل) را دوست داشت» نیز روشن‌تر می‌شود: راحیل به‌طور خاص، مرتبه / جنبه (בחینه, bechinah) گفتار و کردار است، و «لیا (لاה) منفور بود»؛ این درست خلاف مقصود نسل بیابان است.

این نکته روشن می‌کند که چرا یعقوب به‌طور خاص راحیل را دوست داشت: او گفتار و کردار است. اینکه لیا «منفور بود»، وارونه خواست نسل بیابان برای ماندن در جهانِ اندیشه است.

ואמנם צריך ביאור מ"ש לאה הפעם ילוה אישי⁶⁸ אלי דוקא דודאי לא עלה על דעתה לאפוקי מבחי' דבור ומעשה.

بااین‌حال، سخن لیا که گفت: «این بار شوهرم به من خواهد پیوست»، به‌خصوص نیازمند توضیح است؛ زیرا بی‌تردید به ذهنش نرسیده بود که בחینه گفتار و کردار را کنار بگذارد.

اما این درباره لیا پرسشی برمی‌انگیزد. وقتی گفت «این بار شوهرم به من خواهد پیوست»، روشن است که منظورش کنار گذاشتن گفتار و کردار نبود؛ پس چه می‌خواست؟

אלא הענין כי באמת צ"ל ב' הבחי' מודו"מ [מחשבה דבור ומעשה] דהא בלא הא לא סגי ועמ"ש במ"א בענין לויתן⁶⁹ ושור הבר שהוא ג"כ ענין ב' בחי' הנ"ל לויתן לשון התקשרות בחי' בטול דנוני ימא כמו הפעם ילזה כו'

בלکه مطلب این است که در حقیقت، هر دو **בחינה**، یعنی اندیشه و گفتار و کردار، باید باشند؛ زیرا یکی بدون دیگری کفایت نمی‌کند. و بنگرید به آنچه در جای دیگری درباره موضوع لوایتان (**לויתן**, livyasan) و گاو وحشی شرح داده شده است؛ این نیز ناظر به دو **בחינה** یادشده است: لوایتان (**לויתן**, livyasan) اصطلاحی به معنای پیوند است و به **בחינה** خودنفی‌گری (**ביטול**, bittul) ماهیان دریا اشاره دارد، مانند «این بار [شوهرم] به من خواهد پیوست (**یلזה**, yilaveh)» و غیره.

پاسخ این است که هر دو جنبه لازم است: اندیشه و گفتار و کردار، و هیچ‌یک به تنهایی کفایت نمی‌کند. لوایتان و گاو وحشی ضیافت آینده نماینده این دو جنبه‌اند: لوایتان (livyasan) - که نامش با واژه yilaveh، «خواهد پیوست»، هم‌ریشه است - نماینده ماهیان دریاست؛ آنان سراسر درون سرچشمه خود زندگی می‌کنند و در برابر آن خودنفی‌گرند.

ולאה רצתה שיהיה העיקר ע"י בחינה זו ע"ד שאמרו בחסידים הראשונים⁷⁰ שהיו שוהין ט' שעות בכל יום בתפלה שהוא כענין בטול והתקשרות הנ"ל דמחשבה כו'.

و لیا می‌خواست که اصل کار از طریق همین **بחינה** باشد؛ به گونه‌ای که درباره پارسایان نخستین (**חסידים**, chassidim) گفته‌اند که هر روز نه ساعت را به دعا می‌گذراندند؛ این همانند خودنفی‌گری و پیوند اندیشه است که پیش‌تر یاد شد، و غیره.

لیا می‌خواست پیوند درونی اصل باشد و گفتار و کردار در مرتبه دوم قرار گیرد. این به پارسایان نخستین می‌ماند که تلمود درباره‌شان می‌گوید سه بار در روز، هر بار یک ساعت درنگ می‌کردند، یک ساعت دعا می‌خواندند و یک ساعت دیگر درنگ می‌کردند؛ یعنی نه ساعت را در دعا، غرق در خودنفی‌گری و پیوند ذهن، می‌گذراندند.

ואימתי תורתן נעשית אלא מתוך שחסידים הן כו' הרי רוב עסקם היה עד"ז (ومבואר ענין זה לקמן בד"ה ששים המה מלכות⁷¹ כו' אחת היא יונתי⁷² כו')⁷³

«پس چه هنگام به توراتشان [مطالعه] می‌پرداختند؟ بلکه چون پارسایند»، و غیره؛ بنابراین بیشتر اشتغالشان از این دست بود. (و این مطلب در ادامه، در گفتاری که با «شصت ملکه‌اند...» و «کبوتر من یکی است...» آغاز می‌شود، شرح داده شده است.)

تلمود می‌پرسد آن پارسایان چگونه به توراتشان می‌پرداختند و کارهایشان را انجام می‌دادند، و پاسخ می‌دهد که چون پارسا بودند، توراتشان محفوظ می‌ماند و کارشان برکت می‌یافت. پس بیشتر اشتغالشان از این نوع پیوند درونی بود؛ آلتز ربی (**ادمو"ר הזקן**) می‌افزاید که گفتار «شصت ملکه‌اند... کبوتر من یکی است» این مطلب را به تفصیل شرح می‌دهد.

وامنم یعقوب یدع شזה ای אפשר רק לבني עלייה שהן מועטים אבל כל ישראל עיקר רוב העסק הוא ע"י דבור ומעשה

בاین حال، یعقوب می دانست که این راه فقط برای خواص (בני עלייה, bnei aliyah)، که شمارشان اندک است، امکان پذیر است؛ اما برای همه اسرائیل، بخش اصلی اشتغال از طریق گفتار و کردار است.

اما یعقوب می دانست که این راه تنها برای בני עלייה، یعنی افراد اندک مرتبه بالاتر، به تعبیر تلمود، امکان پذیر است. برای قوم یهود به طور کلی، بخش اصلی خدمت از طریق گفتار و کردار است؛ مطالعه تورات و فرمان های عملی (מצוות, mitzvos).

ולכן היה באהל רחל⁷⁴ עיקר קביעותו שהוא בחי' דומ"ע [דבור ומעשה] ומ"מ צ"ל ג"כ מחשבה שמזה נמשך ראייה ושמיעה לאסתכלא ביקרא דמלכא כו'

ازاین رو، اقامتگاه اصلی او در خیمه راحیل بود، که בחינה گفتار و کردار است. باین همه، اندیشه نیز باید باشد؛ زیرا از آن دیدن و شنیدن سرچشمه می گیرد، «تا در شکوه پادشاه بنگرد» و غیره.

پس یعقوب خیمه راحیل را خانه اصلی خود قرار داد؛ چنان که راشی (רש"י) درباره عبارت «به خیمه راحیل درآمد» می گوید: یعقوب همیشه با او بود. باین حال، اندیشه نیز لازم است، زیرا «دیدن و شنیدن» – روبن (ראובן) و شمعون (שמעון) – از آن سرچشمه می گیرد: «تا در شکوه پادشاه بنگرد»، یعنی تأملی که عشق را برمی انگیزد.

וכל האומר אין לי אלא תורה⁷⁵ כו' אלא צ"ל רוי"ש [רצוא ושוב] רק כי אז נעוץ סופן כו':

و «هر کس بگوید: من فقط تورات دارم»، و غیره. بلکه دیدن و شنیدن نیز باید باشد؛ باین حال، آنگاه «پایانشان در آغازشان نهاده شده است»، و غیره.

تلمود می گوید هر کس ادعا کند که فقط تورات دارد و عملی ندارد، حتی تورات هم ندارد. همچنین، هر دو لازم اند: دیدن و شنیدن اندیشه، همراه با کردار؛ زیرا آن گاه پایان به آغاز پیوند می خورد و عملی فرودست، والاترین نور را به پایین می کشد.

در کار بندگی

ممکن است کسی به خدمت کاملاً درونی تأمل و پیوند گرایش داشته باشد؛ اما برای بیشتر ما، خدمت اصلی مطالعهٔ توراه با صدای بلند و انجام **מצוות** (mitzvos) در عمل است، زیرا دقیقاً در همین جا نور بی‌پایان به کامل‌ترین وجه آشکار می‌شود. با این حال، عمل نباید تهی باشد: اندیشه، یعنی «دیدن و شنیدن» ذهن، باید همراه آن باشد؛ همان‌گونه که یعقوب خیمهٔ راحیل را خانهٔ اصلی خود قرار داد، اما به پسران لیا، یعنی دیدن و شنیدن، نیز نیاز داشت.

پرسش‌هایی برای گفت‌وگو

1. چرا مرتبهٔ لیا، یعنی اندیشه، از راحیل، یعنی گفتار، برتر است، اما یعقوب راحیل را بیشتر دوست می‌داشت؟
2. چگونه سرزمین اسرائیل پس از ویرانی می‌تواند بینش‌هایی برتر از روزگار معبد عرضه کند، با آنکه الوهیت در آنجا کمتر آشکار است؟
3. خودنفی‌گری یهودا و خودنفی‌گری لاوی چه تفاوتی دارند، و چرا پادشاهان از یکی و موشه از دیگری برخاستند؟
4. خطای نسل بیابان چه بود، و عبارت «پایانشان در آغازشان نهفته است» چگونه به آن پاسخ می‌دهد؟
5. لیا هنگامی که گفت «این بار شوهرم به من خواهد پیوست» چه می‌خواست، و انتخاب یعقوب چگونه اندیشه را با گفتار و عمل متوازن می‌کند؟

یادداشت‌ها

بند 1

1 وللبن שתי בנות

این یادداشت خواننده را به یادداشت‌های منبع ربه ارجاع می‌دهد که پیش‌تر در چاپ کهوت برای این مامار آمده‌اند.

یادداشت کهوت

ראה לעיל בציונים לכ"ק אדמו"ר זי"ע. במפתח לאוה"ת כרך א מציין המו"ל שהמאמר הוא משנת תקע"א — הוא בדף רטז, ב בהתחלת אתהלך לפני ה', ומציין ששייך לפסוק וללבן שתי בנות. בשינויים ועם הגהות, ראה מאמרי אדה"א נ"ך ע' קצד שמיוסד על מאמר זה. בבוכ 1135 מד, א המאמר בגוכתי"ק הצ"צ באיזה שינויים, וז"ל שם: וללבן שתי בנות וגו' הנה לאה ורחל שהם אותיות מחשבה ודיבור היו שניהם מאירים בא"י בזמן הבית וזהו בארצות החיים ב' ארצות והעיקר ה' בחי' רחל, כי המחשבה מתלבשת בתוך הדבור, ונודע כי רחל היא עלמא דאתגליא כמשל הדבור ולכן ה' אז בא"י תכלית הגילוי אלקותו ית' שהיו חכמים גדולים בעלי רוח"ק ונביאים ובפרט בהמ"ק השראת השכינה בקדה"ק ואורים ותומים וירידת האש שלמעלה כו'. ואחר החורבן שגלו ישראל לבבל וגלתה עמהם השכינה שהיא בחי' רחל עלמא דאתגלייא ואז היא בחי' דוקא אך א"כ ה' ראוי להיות בחי' גילוי אלקות ע"ד שהי' אז בא"י אך הענין כי בבבל היא בבחי' גלות בהע' שרים והעבודה היא בדרך בירורים כו' (ועי"ש ע"פ במדבר סיני) אבל בא"י נסתלקה רחל שהיא עלמא דאתגליא ונשאר בחי' לאה שהיא עלמא דאתכסיא שהוא באמת מזדגה יותר גבוה מרחל כמשל המחשבה שהיא למעלה מהדבור ולכן הצדיקי' הגדולים יכולים להשיג עכשיו בא"י השגות עליונות יותר גם מבזמן הבית (כיון ששיש בבחי' מחשבה עליונה כמו שהיא עדיין למעלה מהתלבשות בעולם הדבור) וכמו האריז"ל שהשיג מה שלא השיגו תנאים ואמוראים משא"כ שארי האנשים לא יוכלו להשיג כי לאה היא אתכסיא כו'.

2 וללבן שתי בנות

«لابان (לבן) دو دختر داشت: نام دختر بزرگتر لیا (لاה) بود و نام دختر کوچکتر (הקטנה, haketanah) راحیل (رحل). این آیه، آیه آغازین گفتار (مאמר, maamar) است؛ ارجاعش به گفتارِ חנוکا, «کوچکتر» را به معنای «حرفِ کوچکِ ה"א» می‌خواند.»

Genesis 29:16 בראשית כ"ט:טז

וּלְלֵבָן שְׁתֵּי בָנוֹת שֵׁם הַגְּדֹלָה לָאָה וְשֵׁם הַקְּטָנָה רָחֵל:

Now Laban had two daughters: the name of the elder was Leah, and the name of the younger was Rachel

Miqra according to the Masorah (CC-BY-SA) • JPS 1917 (Public Domain)

یادداشت کهوت

בראשית כט, טז.

3 לאה ורחל . . . עלמא דאתכסיא ועלמא דאתגליא

اور هاتوره برای لیا و راحیل به‌عنوانِ عوالمِ پنهان و آشکار، به این بخش ارجاع می‌دهد.

یادداشت کهوت

באוה"ת שמיני כרך ב ע' תפט מציין לכאן.

4 בארצות החיים

داوود (דוד), در سیاست‌گذاری از ה' برای نجاتش از مرگ، می‌گوید: «در سرزمین‌های زندگان، در پیشگاه نام چهارحرفی (ה', Havayah) گام

خواهم زد.» واژه جمع «سرزمین‌ها» به دو مرتبه، لیا و راحیل، اشاره دارد که در سرزمین اسرائیل می‌درخشیدند.

Psalms 116:9 תהילים קט"ז:ט'

אֶתְהַלֵּךְ לִפְנֵי ה' בְּאַרְצוֹת הַחַיִּים:

I shall walk before the L-RD In the lands of the living

Miqra according to the Masorah (CC-BY-SA) • JPS 1917 (Public Domain)

یادداشت کهوت

תהלים קטז, ט. בלקו"ת ואתחנן ג, ד מציין לכאן.

5 והעיקר היה בחי' רחל

یادداشت Kehot به جایی ارجاع می‌دهد که این موضوع در آنجا بیشتر توضیح داده شده است: Likkutei Torah of the Arizal.

یادداشت کهوت

ראה לקו"ת להאריז"ל פ' לך ד"ה אל הארץ.

6 (שנקראת עקרת הבית)

عبارت «که ستونِ اصلي خانه خوانده می‌شود» در این دست‌نویس نیامده است.

یادداشت کهوت

בגוכתי"ק הצ"צ ליתא.

7 שנקראת עקרת הבית

در מזמור، عبارت «او زن نازای خانه (עקרת הבית, akeres habayis) را می‌نشانند، مادری شادمان با فرزندان» آمده است؛ این واژه‌ها به معنای زن نازای خانه‌اند. قبالیست‌ها این تعبیر را بر راحیل تطبیق می‌کنند؛ او نازا (עקרה, akarah) بود و با این همه، تکیه‌گاهِ اصلي خانه (עיקר, ikar) بود. ما **מר** این تعبیر را به همین معنا به کار می‌برد.

Psalms 113:9 תהילים קי"ג:ט'

מוֹשִׁיבֵי עֲקָרָת הַבַּיִת אִם־הַבָּנִים שִׂמְחָה הִלְלִיקָהּ:

Who maketh the barren woman to dwell in her house As a joyful mother of children. Hallelujah

Miqra according to the Masorah (CC-BY-SA) • JPS 1917 (Public Domain)

8 رحل (שנקראת עקרת הבית)

دربارهٔ عبارت «اما راحیل نازا (عقרה) بود»، ربی اسحاق (יצחק) گفت: «راحیل، اصل و تکیه‌گاه خانه (عיקر) بود.» این روایت سرچشمهٔ نامیدن راحیل به عקרת הבית، یعنی بانوی اصلی و ستون خانه، است.

Bereshit Rabbah 71:2 بראשית رבה ע"א:ב'

... לאמן של אלו אני מגרש?! ובסוף הוא מודה על הדבר, הה"ד (בראשית מז): וישתחו ישראל על ראש המטה מי היה ראש מטתו של אבינו יעקב, לא לאה?! ורחל עקרה אמר רבי יצחק: رحל היתה עיקרו של בית, כמה שנאמר: ורחל עקרה, עיקרה رحל. אמר רבי אבא בר כהנא: רוב מסובין עיקר של לאה היו, לפיכך עושים رحל עיקר. ורחל עקרה, رحל היתה עיקרו של בית. תני, רבי שמעון בן יוחאי: לפי שכל הדברים תלוין ברחל, לפיכך נקראו ישראל על שמיה, (ירמיה לא): رحل מבכה על בניה, ולא סוף דבר ...

Another matter, “The L-rd supports all those who fall” (Psalms 145:14) – these are the barren women, who fall inside their houses. “And He straightens all who are hunched” (Psalms 145:14) – when the Holy One blessed be He remem-

It was taught: R. Shimon b. Yohai said: Come and see how beloved are Israel to G-d—... every place to which they were exiled the Shekhinah (G-d's Divine Presence) went with them. They were exiled to Egypt and the Shekhinah was with them, as it says, "Did I reveal myself to the house of your father when they were in Egypt" (II Samuel 2:27). They were exiled to Babylon, and the Shekhinah was with them, as it says, "For your sake I was sent to Babylon" (Isaiah 43:14).

... And when

William Davidson, Vocalized Aramaic (CC-BY-NC) • Daf Shevui (CCO)

یادداشت کهوت

ראה מגילה כט, א. ספרי מסעי לה, ד. ועוד.

13 משא"כ אחר חורבן . . ואינה מאירה כלל

اور هاتوره توضیح می‌دهد که حتی اکنون نیز میان سرزمین اسرائیل و بیرون از آن تفاوتی هست، هرچند این‌جا گفته شده که در سرزمین فقط پارسایان بزرگ به مرتبه‌ای بالاتر دست می‌یابند. در پایان می‌گوید که اکنون می‌توان به جوهر سرزمین از راه مطالعه توراتی شفاهی دست یافت.

یادداشت کهوت

באור"ת שלה ע' תנו מבאר שגם עכשיו יש הפרש בין א"י לחו"ל, וכאן מבאר שבזמן שאין בהמ"ק קיים אין יכולים להשיג בארץ יותר מבחו"ל, רק הצדיקים הגדולים, וכתב ע"ז הצ"ח שם "ע"כ צ"ל דעכשיו עיקר ענין הארץ יכולים להשיג ע"י עסק התורה שבע"פ", ע"ש בארוכה.

14 כרחל לפני גוזזי, נאלמה

پیامبر، خدمتگزارِ د' را - که راشی او را اسرائیل در تبعید می‌داند - چنین وصف می‌کند که ستم را خاموشانه برمی‌تابد: «همچون میش (رحل), rachel) در برابرِ پشم‌چینانش، خاموش است.» ما م. میش را راحیل - گفتارِ الهی - می‌خواند که در تبعید خاموش می‌شود.

Isaiah 53:7 ישעיהו נ"ג:ז

גנש והוא נענה ולא יפתח-פיו פשה לשבח יוכל ורחל לפני גזיזה נאלמה ולא יפתח פיו:

He was oppressed, though he humbled himself And opened not his mouth; As a lamb that is led to the slaughter, And as a sheep that before her shearers is dumb; Yea, he opened not his mouth.

Miqra according to the Masorah (CC-BY-SA) • JPS 1917 (Public Domain)

یادداشت کهوت

ישע'י, נג, ז.

15 והעבודה היא בדרך בירורים

اور هاتوره می‌افزاید که این نکته اصلی متلبس شدن اوست: او از مرتبه‌ای به مرتبه دیگر فرود می‌آید تا پالایش کند و آنچه را بلعیده شده بیرون بکشد.

یادداشت کهوت

באור"ת בראשית כרך א ר"ז, א מציינ ע"ז "וזהו עיקר התלבשותה שנופלת ממדרגה למדרגה לברר ולהוציא בלעם מפ"י."

16 (וכמ"ש ע"פ במדבר סיני)

یادداشت به مالمارهای «در بیابان سینا» در آغاز لیکوتی توراه (לקוטי תורה), تمیדיار, ارجاع می‌دهد. یکی از آن‌ها (تمیדיار 5) توضیح می‌دهد که در زمان بیت‌همیقداش، جرقه‌ها به واسطه تجلی عظیم در عالم صدور خودبه‌خود پالایش می‌شدند؛ اما اکنون فرمانروایی باید به عوالم آفرینش، صورت‌بخشی و عمل فرود آید تا آن‌ها را پالایش کند. ازاین‌رو در آن هنگام «بیابان» نامیده می‌شود و میم گشوده‌ای به آن افزوده می‌شود.

یادداشت کهوت

ראה לקו"ת פ' במדבר בתחלתה.

bers them with children, they stand erect. Know that it is so, as Leah was the unloved one of the household, but when the Holy One blessed be He remembered her, she stood erect. That is what is written: "The L-rd saw that Leah was ... "unloved." "That Leah was unloved [senua]

Daat Bereshit Rabbah (Public Domain) • The Sefaria Midrash Rabbah, 2022 (CC-BY)

9 (וכמו שפרש"י . . בא"י)

ارجاع داخلی پرائنت به راشی درباره یونا و یحزقیل در این دست‌نویس نیامده است.

یادداشت کهوت

בגזכתי"ק הצ"ח ליתא.

10 וכמו שפרש"י גבי יונה ויחזקאל

ارجاعات Kehot برای این کلمات (یادداشتش در پایین آمده است).

یادداشت کهوت

א, א.

11 ויחזקאל שאין הנבואה שורה אלא בא"י

راشی توضیح می‌دهد که حضور الهی (שכינה, Shechinah) بر پیامبری در بیرون از سرزمین اسرائیل قرار می‌گیرد، تنها اگر نخست در سرزمین اسرائیل بر او قرار گرفته باشد؛ آدمور هازاکن (آدمو"ר הזקן) این مطلب را همراه با توضیح راشی درباره یونس نقل می‌کند تا این قاعده را بیان کند که نبوت تنها در سرزمین اسرائیل قرار می‌گیرد.

Rashi on Ezekiel 1:3 רש"י על יחזקאל א':ג'

... שליחתו אליהם ויונתן אף הוא כך תירגם מהוי הוי פתגם נבואה מן קדם ה' עם יחזקאל בר בווי כהנא בארעא דישראל תב תניינות אתמלל עמיה במדינת ארעא כשדאי ויחזקאל גלה עם החרש והמסגר שגלו עם יהויכין: יד ה'. כל לשון יד האמורה בספר זה ובכל לשון נבואה אינה אלא לשון תוקף שהנבואה תוקפת על כרחו כאד' משתגע דיישטרי"צא בלע"ז:

lit. being] היה ה'ה The word of the L-rd was [revealed] Heb Our Sages said (Mechilta to Exod. 12:1): "[It] had al- [was ready come," because the Shechinah does not rest upon a prophet outside the [Holy] Land, except by having first rested upon him in the Land. We learned in a Baraita of the Mechilta (Exod. 15:9): [The verse 2:1,] "Son of man, stand on your feet," was the [actual] beginning of the Book, only there is no chronological order [in Scripture]. Others say that ... (12:1f.) "Son of man, compose

On Your Way (Public Domain) • The Judaica Press complete Tanach with Rashi, translated by A. J. Rosenberg (CC-BY)

12 שגלו ישראל וגלתה עמהם השכינה

תلمוד می‌آموزد که هر جا اسرائیل به تبعید رفت، שכינה نیز همراه آنان رفت. آدمور هازاکن این שכינה تبعیدی را با راحیل یکی می‌داند.

Megillah 29a:4 מגילה כ"ט א:ד'

תנא, רבי שמעון בן יוחי אומר: בוא וראה כמה חביבין ישראל לפני הקדוש ברוך הוא, שכל מקום שגלו - שכינה עמהן. גלו למצרים - שכינה עמהן, שנאמר: "הנגלה נגליתי לבית אביך בהיותם במצרים וגו'." גלו לבבל - שכינה עמהן, שנאמר: "למענכם שלחתי בבלה". ואף קשה עתידין ליגאל - שכינה עמהן, שנאמר: "ושב ה' אלקיך את שבותך". "והשיב" לא נאמר, אלא "ושב". מלמד שהקדוש ברוך הוא שב עמהן מבין הגליות.

در کنار בבא בתרא (בבא בתרא) می‌آورد و از اختلافی موازی دربارهٔ معنای «منفور» یاد می‌کند.

71:1 Bereshit Rabbah برآشית ربه ע"א:

וירא ה' כי שנאה לאה וגו' - (תהלים סט) כי שומע אל אביונים ה' ואת אסיריו לא בזה אמר רבי בנימין בן לוי: לא ראשו של פסוק הזה סופו, ולא סופו ראשו, לא היה צריך קרא למימר אלא, כי שומע אל אביונים ואת אסירים לא בזה, או כי שומע אל אביונים ה' ואת אסיריו וגו', אלא, כי שומע אל אביונים ה', אלו ישראל. דאמר רבי יוחנן: בכל מקום שנאמר דל עני ואביון, בישראל הכתוב מדבר. ואת אסיריו לא בזה, אלו העקרות, שהן אסורות בתוך בתיהן ועלובות, וכיון שהקדוש ברוך הוא

...

The L-rd saw that Leah was unloved, and He opened her "womb, and Rachel was barren" (Genesis 29:31). "The L-rd saw that Leah was unloved..." "For the L-rd hears the impoverished and does not despise His prisoners" (Psalms 69:34) – Rabbi Binyamin ben Levi said: The beginning of this verse does not correspond with its end, nor does its end correspond to its beginning. The verse should have said only: "For the L-rd hears the impoverished and does not despise the prisoners" or: "For the L-rd hears His impoverished and...

... His

Daat Bereshit Rabbah (Public Domain) • The Sefaria Midrash Rabbah, 2022 (CC-BY)

24 הרי יעקב השיג ודאי בעלמי דאתכסי'

یادداشت ناسازگاری ظاهری را حل می‌کند: در این‌جا یعقوب بی‌تردید عالم پنهان را درک کرد، درحالی‌که توراه خیمه می‌گوید اصلاً آن را درک نکرد. در این‌جا عالم پنهان حروفِ اندیشه است؛ اما آن‌جا ریشهٔ لیا در فهم درونی است، و رای هرگونه درک.

یادداشت کھوت

בתו"א רד"ה ולבן ב' בנות דיעקב השיג ודאי בעדאתכ"ס ובתו"ח שם דלא השיג כלל — לפלא גדול שהרי מפורש על אתר: בתו"א — שהמדובר באותיות המח'. בתו"ח — בשרש לאה, פני' בינה, שכל הנעלם מכל רעיון וכו'. ולהעיר (1) באוה"ת שם אין בכלל הענין שהשיג או לא השיג. (2) ע"ד החילוק בפני' כי שנאה בין תו"א ותו"ח — נחלקו ג"כ ב"ב (קכג, א) וב"ר רפעי"א. — לקו"ש ח"י ע' 214. במאמרי אדה"א נ"ך ע' קצו מבאר שהקושיא "למה אהב יעקב לרחל יותר מלאה דלכאורה בחי' לאה יותר עליון מבחי' רחל". וראה ביאווה"ז להצ"צ כרך ב ע' תשלז.

25 יעקב נק' בריח התיכון

זוהר یعقوب را «تیر میانی» می‌نامد که از یک سر تا سر دیگر امتداد دارد. آلتز ربه آن را چنین می‌خواند که یعقوب نور را از تاج (כתר, Keser) به فرمانروایی (ملכות, Malchus) فرومی‌کشد.

Zohar II, 175b זח"ב קעה, ב

Zohar III, 186a זח"ג קפו, א

یادداشت کھوت

זח"ב קעה, ב. זח"ג קפו, א ובכ"מ. באוה"ת برآشית כרך ב שצה, א מציין הצ"צ: "וכן מרומז ברבות פ' ויגש פצ"ד".

26 בריח התיכון המברית מן הקצה אל הקצה

دستور ه' به موسی (مשה) برای ساختن **משכן** (Mishkan؛ خیمه مقدس): «تیر میانی در میان تخته‌ها باید از یک سر تا سر دیگر امتداد

17 מ"ם פתוחה . . מ"ם סתומה

بحتى دربارهٔ میم گشوده و میم بسته.

یادداشت کھوت

נתבאר באוה"ת דרושים לשמע"צ ע' א'תתי, ובספר הליקוטים-דא"ח מהצ"צ ערך אותיות אות מ (ע' תתג ואילך). رאה לקו"ת שמע"צ צג, ב.

18 עיין בזהר ר"פ תרומה דף קכ"ו ב'

خود آلتز ربه (ادمو"ר הזקן) برای ریشهٔ لیاہ (لاہ) به آغاز زہر (زہر) دربارهٔ ترومه (תרומה, Terumah) اشاره می‌کند؛ ریشه‌ای که او آن را به میم بسته پیوند می‌دهد.

Zohar, Terumah 2:12–4:23 ספר הזהר, תרומה ב' י"ב:ד-כ"ג

19 וכמו האר"י ז"ל

متنی موازی، نمونه را گسترش می‌دهد: آریزال و شاگردانش که شایستهٔ روح قدس و تجلّی الیاهو شدند، و بنیت یوسف و مانند او؛ چیزی که بیرون از سرزمین یافت نمی‌شود.

یادداشت کھوت

במאמרי אדה"א נ"ך ע' קצה "כמו האר"י ז"ל ותלמידיו שזכו לרוה"ק וגילוי אליהו כו' והרב הב"י וכיוצא שלא נמצא כזה בחו"ל".

20 וכמו האר"י ז"ל . . בדורות הקדמונים

دست‌نویس می‌گوید آریزال به مرتبه‌ای دست یافت که تئایم و امورائیم به آن دست نیافتند، حال آن‌که دیگران نمی‌توانند به آن دست یابند، زیرا لیا عالم پنهان است.

یادداشت کھوت

בבזך 1135 גוכתי"ק הצ"צ: וכמו האר"י ז"ל שהשיג מה שלא השיגו תנאים وامוראים משא"כ שארי האנשים לא יוכלו להשיג כי לאה היא אתכסיא כו': ולהבין מ"ש.

21 כי שנאה לאה

«نام چهارحرفی (ה', Havayah) دید که لیاہ منفور است و رحم او را گشود؛ اما راحیل نازا بود.» پرسشی که این مامار به آن پاسخ می‌دهد این است: چرا یعقوب (יעקב) راحیل را ترجیح می‌داد؟

Genesis 29:31 برآشית כ"ט:ל"א

וַיֵּרָא ה' כִּי־שְׂנֹאָה לְאֵה וַיִּפְתַּח אֶת־רַחֵל וַיִּרְחַל עֲקָרָהּ:

And the L-RD saw that Leah was hated, and he opened her womb; but Rachel was barren

Miqra according to the Masorah (CC-BY-SA) • JPS 1917 (Public Domain)

یادداشت کھوت

برآشית כט, לא.

22 כי שנאה לאה

گمارا (גמרא, Gemara) «منفور» را به معنای لفظی نمی‌گیرد، زیرا کتاب مقدس دربارهٔ پارسایان به زبان نکوهش سخن نمی‌گوید؛ بلکه ه' دید که کردارهای عیسو (עשו) در نظر او منفور بود. یادداشت Kehot این را در کنار میدراش (مדרش, Midrash) می‌آورد و آن را اختلافی موازی با برداشت‌های متفاوت از «منفور» در **تורה اور** (تורה اور) و Torah Chaim (تורה حיים) می‌داند.

Bava Batra 123a בבא בתרא קכ"ג א

23 כי שנאה לאה

میدراش این را به معنای ساده‌اش می‌خواند: لیاہ «منفور خانه» بود تا آن‌گاه که ه' با فرزندی که به او داد، از او یاد کرد. یادداشت Kehot آن را

یابد. «زواهر این آیه را بر یعقوب تطبیق می‌کند.

Exodus 26:28 شמות כ"ו:כ"ח

והברית התיכן בתוך הקרשים מברח מיהקקה אליהקקה:

and the middle bar in the midst of the boards, which shall pass through from end to end

Miqra according to the Masorah (CC-BY-SA) • JPS 1917 (Public Domain)

27 פי' שהוא הממשיך . . כמ"ש במ"א

بحتى مفصلتر دربارهٔ فرودآوردن نور به‌دست یعقوب، از انتهاي بالایی— خطی که فضاي خالی‌شده را می‌شکافد—تا انتهاي پایینی.

یادداشت کھوت

ראה אה"ת בראשית כרך ב שפה, ב ואילך. וראה בהביאור שם שפה, א ואילך.

28 והנורא

موسی به بنی‌اسرائیل می‌گوید که ה' ایشان «بزرگ، نیرومند و هیبت‌انگیز» است؛ حکیمان این واژه‌ها را در نخستین برکت نماز ایستاده (עמידה, Amidah) قرار داده‌اند. در آموزه‌های חסידות (Chassidus)، این سه واژه با پدران متناظرند و «هیبت‌انگیز» به یعقوب اشاره دارد؛ او مهر (חסد, Chesed) و قید و سخت‌گیری (גבורה, Gevurah) را به هم می‌پیوند.

Deuteronomy 10:17 دברים י"ז:יז

פי ה' אֱלֹהֵיכֶם הוּא אֱלֹהֵי הָאֱלֹהִים וְאֵדֹנֵי הָאֲדֹנִים הָאֵל הַגָּדֹל הַגִּבּוֹר וְהַנּוֹרָא אֲשֶׁר לֹא-יִשָּׂא פָנִים וְלֹא יִקַּח שָׂחָד:

For the L-RD your G-d, He is G-d of gods, and L-rd of lords, the great G-d, the mighty, and the awful, who regardeth not persons, nor taketh reward

Miqra according to the Masorah (CC-BY-SA) • JPS 1917 (Public Domain)

29 ויאהב (יעקב) גם את רחל

پس از آنکه یعقوب (יעקب) با هر دو خواهر ازدواج کرد، «راحیل (رحل) را نیز بیش از لیه (لاה) دوست داشت.» این عبارت به‌منزلهٔ اشتیاق یعقوب برای تجلی در عالم آشکار توضیح داده شده است.

Genesis 29:30 بראשית כ"ט:ל'

וַיָּבֹא גַם אֶל-רַחֵל וַיֵּאָהֲב גַם-אֶת-רַחֵל מִלֵּאָה וַיַּעֲבֹד עֹד שְׁבַע-שָׁנִים אַחֲרֹת:

And he went in also unto Rachel, and he loved Rachel more .than Leah, and served with him yet seven other years

Miqra according to the Masorah (CC-BY-SA) • JPS 1917 (Public Domain)

یادداشت کھوت

בראשית כט, ל.

30 וישקהו

هنگامی که عیسو (עשו) با یعقوب ملاقات کرد، «او را بوسید؛» این واژه با نقطه‌هایی در بالای آن نوشته شده است. راشی (רש"י) دو برداشت را نقل می‌کند: اینکه عیسو او را از صمیم قلب نبوسید؛ یا، چنان‌که ربی شمعون بار یوحای (רבי شמעון בר יוחאי) می‌گوید، در آن لحظه دل‌سوزی‌اش برانگیخته شد و او را با تمام قلبش بوسید. آلتز ربه (ادم"ר הוקן) بوسهٔ یعقوب بر راحیل را به شیوهٔ همان واژهٔ نقطه‌دار می‌خواند.

Genesis 33:4 بראשית ל"ג:ד'

וַיֵּרָץ עֵשָׂו לִקְרֹאתוֹ וַיְחַבְּקוּהוּ וַיִּפֹּל עַל-צַוְאָרוֹ וַיִּשָּׁקוּהוּ וַיִּבְכּוּ:

And Esau ran to meet him, and embraced him, and fell on his neck, and kissed him; and they wept

Miqra according to the Masorah (CC-BY-SA) • JPS 1917 (Public Domain)

31 וישק یعקב לרחל

هنگامی که یعقوب نخستین بار در کنار چاه با راحیل ملاقات کرد، «یعقوب راحیل را بوسید.» این عبارت به‌منزلهٔ آن خوانده می‌شود که یعقوب مرتبهٔ درونی حکمت (חכמה, Chochmah)، فهم (בינה, Binah) و شناخت (דעת, Daas) را به درون راحیل می‌کشاند.

Genesis 29:11 بראשית כ"ט:יא

וַיִּשָּׂק יַעֲקֹב לְרַחֵל וַיִּשָּׂא אֶת-קוֹלוֹ וַיִּבְכּ:

And Jacob kissed Rachel, and lifted up his voice, and wept

Miqra according to the Masorah (CC-BY-SA) • JPS 1917 (Public Domain)

یادداشت کھوت

בראשית כט, יא.

32 ע"פ ישقני מנשיות

در آن‌جا «بوسه‌ها» تجلّی عشق درونی‌اند؛ مانند عشق پدر به پسر یگانه‌اش که چنان عظیم است که در واژه‌ها نمی‌گنجد و فقط با نفیس دهان بیان می‌شود. به همین ترتیب، تورا نور بی‌پایان را با جهشی فراتر از نظم عوالم آشکار می‌کند.

یادداشت کھوت

לקו"ת שה"ש א, ד. וראה אה"ת שה"ש ע' כד.

33 ישقני מנשיות

کلمات آغازین کتاب سونگ آو سانگز (שיר השירים)، بیانگر اشتیاق محبوبه است: «بگذار مرا با بوسه‌های دهانش ببوسد.» آلتز ربه برای دریافت معنای «بوسه‌ها» به شرحی که خود بر این آیه آورده است ارجاع می‌دهد.

Song of Songs 1:2 שיר השירים א:ב'

יִשְׁקֵנִי מְנַשִּׁיּוֹת פִּיהוּ כִּי-טוֹבִים דְּדִיד מַיִן:

Let him kiss me with the kisses of his mouth— For thy love is .better than wine

Miqra according to the Masorah (CC-BY-SA) • JPS 1917 (Public Domain)

34 וע"פ אמצאך בחוץ אשקך

در آن‌جا «کاش بیرون تو را می‌یافتم» به کسانی اشاره دارد که سرگرم کسب‌وکارند و نمی‌توانند پیوسته تورا بیاموزند، اما بااین‌حال می‌توانند از راه خدمت الهی خود در بیرون، به نزدیکی «بوسه‌ها» دست یابند.

یادداشت کھوت

לקמן פ' תרומה פ, ג.

35 אמצאך בחוץ אשקך

محبوبه آرزو می‌کند که محبوبش برای او همچون برادری بود: «تو را در بیرون می‌یافتم، تو را می‌بوسیدم.» آلتز ربه به شرح دیگری از «بوسه‌ها» ارجاع می‌دهد.

Song of Songs 8:1 שיר השירים ח:א'

מִי יִתְּנֶךָ כָּאֵחַ לִי יוֹנֵם שָׁדִי אֲמִי אֲמַצְאֶךָ בַּחוּץ אֲשָׁקֶךָ גַּם לֹא-יָבֹז לִי:

Oh that thou wert as my brother, That sucked the breasts of my mother! When I should find thee without, I would kiss thee; Yea, and none would despise me

Miqra according to the Masorah (CC-BY-SA) • JPS 1917 (Public Domain)

36 אעבדך שבע שנים ברחל

یعقوب به لابان (לבן) گفت: «هفت سال برای راحیل، دختر کوچک‌ترت، خدمت می‌کنم.» راحیل، «کوچک‌تر»، گفتار، یعنی مرتبهٔ فروتر است که یعقوب نور لابان را به درون آن فرومی‌آورد.

Genesis 29:18 بראשית כ"ט:י"ח

וַיָּאָהֱב יַעֲקֹב אֶת-רַחֵל וַיֹּאמֶר אֶעֱבָדְךָ שְׁבַע שָׁנִים בְּרַחֵל בְּתֶךָהּ:

آفرینش فرود آورد. ازاین‌رو زایش برای راحیل دشوار بود.
یادداشت كهوت

ראה אה"ת כאן ריז, ב שמבאר "כי הלידה הוא בחי' גילוי ההעלם כמו שהוא בעצמותו, וא"א להיות האצי' כמו שהוא נמשך בבריאה, ולכן היתה מקשה ללדת". ע"ש.

47 שהם הספרי שבאצי'

ارجاعات Kehot برای این کلمات (یادداشتش در پایین آمده است).
یادداشت كهوت
ל"ת להאריז"ל פי ויצא.

48 שבטי יה

داوود (דוד) اورشلیم (ירושלים) را چنین وصف می‌کند: جایی که «قبایل بالا رفتند, قبایل יה (Yah)». יה, دو حرفی نخست نام ה' (حکمت (חכמה, Chochmah) و فهم (בונה, Binah)), ریشه قبایل را در اندیشه, در عالم صدور, نشان می‌دهد.

Psalm 122:4 תהילים קכ"ב:ד'

שָׁשׁוּ עָלוּ שְׁבִטִים שְׁבִטֵי־הָ עַד לְיִשְׂרָאֵל לְהַדוֹת לְשֵׁם ה'

Whither the tribes went up, even the tribes of the L-RD, as a testimony unto Israel, to give thanks unto the name of the L-RD.

Miqra according to the Masorah (CC-BY-SA) • JPS 1917 (Public Domain)

49 יהודה הפעם אודה

هنگام تولد یهودا (یهודה), لیا گفت: «این بار ה' را سیاس خواهم گفت (اודה, odeh); ازاین‌رو نامش را یهودا نهاد و از زادن بازایستاد.» این نام بیانگر سیاس‌گزاری است: صورتی از خودنهی‌گری (بیטול, bittul).

Genesis 29:35 בראשית כ"ט:ל"ה

וַתֵּהָרַג עוֹד וַתֵּלֶד בֶּן וַתֹּאמֶר הַפֶּעַם אֹדָה אֶת־ה' עַל־כֵּן קָרָאתִי שְׁמוֹ יְהוּדָה וַתַּעֲמֹד מִלֶּדֶת:

And she conceived again, and bore a son; and she said: 'This time will I praise the L-RD.' Therefore she called his name Judah; and she left off bearing

Miqra according to the Masorah (CC-BY-SA) • JPS 1917 (Public Domain)

یادداشت كهوت

בראשית כט, לה.

50 כמ"ש במ"א ע"פ יהודה אתה

در مقاله «یهودا, تو, برادرانت تو را خواهند ستود» (تורה اور, ויחי 1, 45a), رویین («بنگ, پسری») دیدن است: تأملی که عشق را برمی‌انگیزد; شیمعون شنیدن است که هیبت می‌آورد; لاوی پیوند است; و این سه باید نخست بیایند تا اقرار یهودا, یعنی سر فرود آوردن در آمیاده, آشکار شود.

یادداشت كهوت

לקמן ר"פ ויגש.

51 ע"פ יהודה אתה

برکت یعقوب: «یهودا, برادرانت تو را خواهند ستود.» آلتز ربه (ادمو"ר הזקן) به توضیح خود درباره این آیه اشاره می‌کند.

Genesis 49:8 בראשית מ"ט:ח'

יְהוּדָה אַתָּה יְהוּדָה אַחִיר יָדָד בְּעַרְףְּ אֶבְרִיךָ יִשְׁתַּחֲוּוּ לָךְ בְּנֵי אֶבְרִיךָ:

Judah, thee shall thy brethren praise; Thy hand shall be on the neck of thine enemies; Thy father's sons shall bow down before thee

Miqra according to the Masorah (CC-BY-SA) • JPS 1917 (Public Domain)

52 הפעם ילדה

هنگام تولد لوی, لیا گفت: «این بار شوهرم به من خواهد پیوست (یلדה, yilaveh)». این عبارت خاستگاه نام لوی است و به معنای پیوستگی (התקשרות, hiskashrus) خوانده می‌شود.

Genesis 29:34 בראשית כ"ט:ל"ד

וַתֵּהָרַג עוֹד וַתֵּלֶד בֶּן וַתֹּאמֶר עַתָּה הַפֶּעַם יִלְוָה אִישִׁי אֵלַי כִּי־יִלְדָתִי לוֹ שְׁלֹשָׁה בָנִים עַל־כֵּן קָרָאתִי שְׁמוֹ לֵוִי:

And she conceived again, and bore a son; and said: 'Now this time will my husband be joined unto me, because I have borne him three sons.' Therefore was his name called Levi

Miqra according to the Masorah (CC-BY-SA) • JPS 1917 (Public Domain)

53 וכמ"ש במדרש בעובדא דר' חייא רבה

ارجاعات Kehot برای این کلمات (یادداشتش در پایین آمده است).

یادداشت كهوت

ראה ירושלמי כלאים פ"ט ה"ג.

54 וכמ"ש במדרש בעובדא דר' חייא רבה

یادداشت Kehot در اینجا اشاره می‌کند که ربی حیا ربا (רבי חייא רבה) در برابر ربی بیشماعیل, پسر ربی یوسی (רבי ישמעאל בן רבי יוסי), برخاست; زیرا در آن لحظه ذهنش سراسر کتاب Psalms (תהלים) را مرور می‌کرد. این نمونه‌ای از غرق‌شدن کامل در اندیشه است.

Jerusalem Talmud Kilayim 9:3 תלמוד ירושלמי כלאים ט:ג'

55 וכן גבי רבא (במ' אר"ע)

صدوقی‌ای, راوا (רבא) را دید که چنان در مطالعه غرق شده بود که روی انگشتانش نشسته بود و متوجه نشد که خون‌ریزی می‌کنند. این گواهی است بر اینکه دلبستگی ذهن, انسان را نسبت به جهان بیرون غافل می‌کند.

Shabbat 88a שבת פ"ח א

یادداشت كهوت

שבת פח, א.

56 ולכן יצא ממנו משה

לקוטי תורה درباره تָזוּ به اینجا ارجاع می‌دهد و نیز به زوهار (2:11b) استناد می‌کند. این بخش موسی را با «ماهی دریا» پیوند می‌دهد: ارواحی که در سرچشمه خود در عالم صدور باقی می‌مانند.

یادداشت كهوت

בלקו"ת צו ח, ג מציין לכאן וציין גם לדח"ב יא, ב.

57 כבד פה וכבד לשון

موسی (משה) در بوتۀ سوزان به ה' می‌گوید: «دهانم سنگین و زبانم سنگین است.» این سخن به دلبستگی درونی او نسبت داده شده است; دلبستگی‌ای که گفتار بیرونی را برایش دشوار می‌کرد.

Exodus 4:10 שמות ד:י'

וַיֹּאמֶר מֹשֶׁה אֶל־ה' בִּי אֲדֹנָי לֹא אִישׁ דְּבָרִים אֲנִכִּי גַם מִתְמוּל גַּם מִשְׁלֹשׁ גַּם מֵאֵז דְּבָרָךְ אֶל־עֲבָדְךָ כִּי כְבֹּד־פִּי וּכְבֹּד לְשׁוֹן אֲנִכִּי:

And Moses said unto the L-RD: 'Oh L-rd, I am not a man of words, neither heretofore, nor since Thou hast spoken unto Thy servant; for I am slow of speech, and of a slow tongue

Miqra according to the Masorah (CC-BY-SA) • JPS 1917 (Public Domain)

58 שלגודל התקשרותו בבחי' בטול

در آنجا گفته می‌شود که מֵן از مرتبه‌ای چنان بلند می‌آمد که حتی پدران نیز آن را نمی‌شناختند; مرتبه موسی که מֵן به شایستگی او فرود آمد. این

توضیح، تصویر مرتبه درونی ویژه موسی را کامل می‌کند.
یادداشت کھوت

ראה לקו"ת עקב יד, ב. סידור קי, ב. אה"ת ויצא ר, א. ביאור"ז להצ"צ ע' תמוז.

59 ונחנו מה

موسی و هارون (אהרן) به مردمی که شکایت می‌کردند می‌گویند: «ما چه هستيم که بر ضد ما شکایت می‌کنید؟» این بیان کلاسیک خودنفي‌گری (ביטול, bittul) موسی است.

Exodus 16:7 שמות ט"ז:

ובקר וראיתם את־קבוד ה' בשמעו את־לַלְנִיְכֶם עליה ונחנו מה כי תלינו עלינו:

and in the morning, then ye shall see the glory of the L-RD; for that He hath heard your murmurings against the L-RD; and what are we, that ye murmur against us
Miqra according to the Masorah (CC-BY-SA) • JPS 1917 (Public Domain)

60 צבא השמים לך משתחווים

لاويان روزگار عزرا (عزرا) ه' را می‌ستایند: «تو به‌تنهایی ه' هستی ... و سپاه آسمان در برابر تو سجده می‌کند.» سجده فرشتگان امری روحانی است: خودنفي‌گری درونی؛ و این، الگویی برای خودنفي‌گری لاوی (لוי) است.

Nehemiah 9:6 نحمיה ט':

אתה־הוא ה' לבדך אתה עשית את־השמים שמי השמים וכל־צבאם הארץ וכל־אשר עליה הימים וכל־אשר בהם ואתה מחיה את־כלם וצבא השמים לך משתחווים:

Thou art the L-RD, even Thou alone; Thou hast made heaven, the heaven of heavens, with all their host, the earth and all things that are thereon, the seas and all that is in them, and Thou preservest them all; and the host of heaven worshippeth Thee

Miqra according to the Masorah (CC-BY-SA) • JPS 1917 (Public Domain)

61 دצבא השמים . . אינו ענין השתחואה גשמיות אלא שמשתחואה

نسخه خطی دلیلی می‌افزاید که تعظیم فرشتگان جسمانی نیست: اگر فرشته میخائیل، هنگام پیمودن پانصد سال راه، خم می‌شد، فلک را خم می‌کرد.

یادداشت کھوت

בגוכי"ק הצ"צ [וכ"ה באוה"ת בשלח ע' שנה שמציין לכאן]: דצבא השמים לך משתחווים שאינו ענין השתחואה גשמית שהרי מיכאל מהלך ת"ק שנה היה כופף הרקיע כו'; אלא שמשתחואה. ע"כ. בסה"מ תרס"ט ע' קבו מצייין לכאן.

62 ע"פ טובה הארץ מאד מאד

در آنجا (38b)، نپذیرفتن ورود به سرزمین از سوی جاسوسان به ریشه آنان در لیا، جهان اندیشه، بازگردانده می‌شود: آنان استدلال می‌کردند که هر فرمان الهی (מצוות, mitzvot) که با گفتار و عمل انجام می‌شود، می‌تواند به‌صورت روحانی، در اندیشه، نیز به‌جا آورد؛ همان‌گونه که ابراهیم (آברהם) پیش از داده‌شدن تورات، تمام تورات را به‌جا می‌آورد. آنان خطا می‌کردند، زیرا فقط عمل است که نورهای برتر را فرود می‌آورد تا از ظرف‌ها عبور کنند؛ ازاین‌رو موسی برای ورود به سرزمین دعا کرد و آن بخش به این مقاله ارجاع می‌دهد.

یادداشت کھوت

לקו"ת שלח לח, ב. ושם מצייין לכאן.

63 טובה הארץ מאד מאד

يهوشع (يهوشع) و کالियो (כלב) پس از گزارش جاسوسان به مردم می‌گویند: «زمین بسیار، بسیار خوب است.» آلتز ربه (אדמו"ר הזקן) به گفتار خود درباره این آیه، درباره جاسوسان و نسل بیابان، ارجاع می‌دهد.

Numbers 14:7 במדבר י"ד:

ויאמרו אלי־קל־עדת בני־ישראל לאמר הארץ אשר עברנו בה לתור אמה טובה הארץ מאד מאד:

And they spoke unto all the congregation of the children of Israel, saying: "The land, which we passed through to spy it out, is an exceeding good land

Miqra according to the Masorah (CC-BY-SA) • JPS 1917 (Public Domain)

64 נעוץ סופן בתחלתן

«پایانشان در آغازشان نهفته است و آغازشان در پایانشان.» این عبارت برای نشان‌دادن آن به کار می‌رود که پایین‌ترین مرتبه، یعنی عمل جسمانی، با بالاترین مرتبه پیوند دارد.

Sefer Yetzirah 1:7 ספר יצירה א':

עשר ספירות בלי מה נעוץ סופן בתחלתן ותחלתן בסופן כשלכות קשורה בגחלת שאדון יחיד ואין לו שני ולפני אחד מה אתה סופר:

The decade of existence out of nothing has its end linked to its beginning and its beginning linked to its end, just as the flame is wedded to the live coal; because the L-rd is one and there is not a second one, and before one what wilt thou count

Sefer Yetzirah, Warsaw 1884 (Public Domain) • Sefer Yezirah, trans. by Isidor Kalisch. New York, 1877 (Public Domain)

65 ומרבע"ה התפלל תקט"ו תפלות

بحثی درباره 515 دعای موسی برای ورود به سرزمین.

Devarim Rabbah 11:6 דברים רבה י"א:

یادداشت کھوت

דב"ר יא, ו. ראה אוה"ת פ' ואתחנן ע' ק"ג.

66 ומרבע"ה התפלל תקט"ו תפלות ליכנס לארץ

مدراش می‌گوید موسی ۵۱۵ بار برای ورود به سرزمین دعا کرد؛ این عدد برابر با ارزش عددي «واتחנן (واتחנן, va'eschanan)»، و من التماس کردم» است (דברים 3:23)؛ یادداشت Kehot این بخش را 11:6 شماره‌گذاری می‌کند. این گواهی است بر اینکه ورود به عرصه فرمان‌های عملی (מצוות, mitzvot) ارزش چنین التماسی را دارد.

Devarim Rabbah 11:10 دברים رבה י"א:

67 ויאהב יעקב את רחל

«و يعقوب (يعقوب) راحيل (רחל) را دوست می‌داشت.» اکنون این آیه به‌صورت محبت به مرتبه گفتار و کردار تبیین می‌شود.

Genesis 29:18 בראשית כ"ט:

ויאהב יעקב את־רחל ויאמר אַעֲבֹדָךְ שבע שנים בְּרַחֵל בְּתֻלָּהָ:

And Jacob loved Rachel; and he said: 'I will serve thee seven years for Rachel thy younger daughter

Miqra according to the Masorah (CC-BY-SA) • JPS 1917 (Public Domain)

68 וגם לוי . . הפעם ילוה אישי

در آنجا توضیح داده می‌شود که لویاتان (לויתان, Leviathan) پیوستن «چیژ» آفریده‌شده به «نیستی» الهی است که از راه فداکاری تا پای جان (مسیירות נפש, mesirus nefesh)، هنگام گفتن «یکی» در شمع، پدید

می آید. این کار «شوهرم به من پیوسته خواهد شد» را فرود می آورد و به این مقاله ارجاع می دهد.
یادداشت کھوت
בלקו"ת שמ"ני יח, ג. נשא כא, ד מצ"יין לכאן.

69 ועמ"ש במ"א בענין לויתן

در آنجا (18b)، صدیقان پنهان (צדיקים, tzaddikim) «ماهی های دریا» نامیده می شوند: همان گونه که دریا ماهیان را می پوشاند، آنان به جهان نهان تعلق دارند؛ و از راه خدمت روحانی خود، عوالم را به نور بی پایان (אור אין סוף, Or Ein Sof) پیوند می دهند. این همان لویاتان است؛ واژه ای به معنای پیوند، چنان که در عبارت «این بار شوهرم به من پیوسته خواهد شد» آمده است.
یادداشت کھوت
ראה לקו"ת שמ"ני יח, ב.

70 בחסידים הראשונים

پرهیزگاران نخستین پیش از نماز یک ساعت درنگ می کردند، یک ساعت نماز می خواندند و پس از آن یک ساعت دیگر درنگ می کردند؛ این کار را روزی سه بار انجام می دادند، در مجموع نه ساعت. تلمود می پرسد پس چه وقت به تورا می پرداختند و پاسخ می دهد که چون پرهیزگار بودند، تورایشان محفوظ می ماند. این روایت به عنوان الگویی برای شیوه پیوند درونی لیا (لاה) ذکر شده است.

22-20 Berakhot 32b:20-22 ברכות ל"ב ב:כ-כ"ב

חסידים הראשונים היו שוה"י שעה אחת: מנא הני מילי? אמר רבי יהושע בן לוי, אמר קרא: "אשרי יושבי ביתך". ואמר רבי יהושע בן לוי: המתפלל צריך לשהות שעה אחת אחר תפלתו, שנאמר: "אך צדיקים יודו לשמך יושבי ושרים את פניך".

The pious men of old used to wait an hour. Whence is this? R. Joshua b. Levi said : The Scriptures state, "Happy are they that dwell in Thy house" (Ps. lxxxiv, 5). R. Joshua b. Levi also said : He who prays should wait an hour after his prayer ; as it is said, "Surely the righteous shall give thanks unto Thy name, the upright shall dwell in Thy presence" (ibid. cxl. 14)

William Davidson, Vocalized Aramaic (CC-BY-NC) • Tractate Berakot by A. Cohen, Cambridge University Press, 1921 (Public Domain)

یادداشت کھوت

ברכות לב, ב.

71 ששים המה מלכות

«شصت ملکه اند.» این عبارت های آغازین گفتار بعدی است که آلتز ربه (ادمور"ر هוקן) به آن اشاره می کند.

Song of Songs 6:8 שיר השירים ו:ח

ששים המה מלכות ושמנים פילגשים ועלמות אין מספר:

There are threescore queens, And fourscore concubines, And maidens without number.

Miqra according to the Masorah (CC-BY-SA) • JPS 1917 (Public Domain)

72 אחת היא יונתי

«کبوتر من، کاملي من، یکی است.» بخشی از همان گفتار است.

Song of Songs 6:9 שיר השירים ו:ט

אחת היא יונתי תמתי אחת היא לאמה ברה היא ליולקמה ראוה בנות ויאשרוה מלכות ופילגשים ויהללוה:

My dove, my undefiled, is but one; She is the only one of her mother; She is the choice one of her that bore her. The

daughters saw her, and called her happy; Yea, the queens and the concubines, and they praised her
Miqra according to the Masorah (CC-BY-SA) • JPS 1917 (Public Domain)

73 (ומבואר . . יונתי כו')

تمام بخش داخلی پرائنتز در این نسخه خطی نیامده است.
یادداشت کھوت
כל המוסגר ליתא בגוכתי"ק הצ"צ.

74 באהל רחל

لابان (לבן) در جست و جوی بت هایش می گردد: «از خیمه لیا بیرون آمد و به خیمه راحیل وارد شد.» راشی (רש"י) یادآور می شود که خیمه یعقوب، خیمه راحیل بود، زیرا یعقوب همیشه نزد او بود؛ این گفتار آن را چنین تفسیر می کند که جایگاه اصلی او در گفتار و کردار بود.

Genesis 31:33 בראשית ל"א:ל"ג

ויבא לבן באהל יעקב ובאהל לאה ובאהל שתי האמהות ולא מצא ויצא מאהל לאה ויבא מאהל רחל:

And Laban went into Jacob's tent, and into Leah's tent, and into the tent of the two maid-servants; but he found them not. And he went out of Leah's tent, and entered into Rachel's tent.

Miqra according to the Masorah (CC-BY-SA) • JPS 1917 (Public Domain)

75 וכל האומר אין לי אלא תורה

«هر که بگوید: «من جز تورا ندارم»، حتی تورا هم ندارد.» مطالعه به تنهایی کافی نیست: کردار لازم است و در اینجا اندیشه باید به کردار بپیوندد.

Yevamot 109b:4-5 יבמות ק"ט ב:ד-ה'

ערבי שלציון — דעבדי שלוף דוי. תוקע עצמו לדבר הלכה — דתניא, רבי יוסי אומר: כל האומר אין לו תורה — אין לו תורה. פשיטא! אלא: כל האומר אין לו אלא תורה — אין לו אלא תורה. הא נמי פשיטא! אלא דאפילו תורה אין לו. מאי טעמא? אמר רב פפא, אמר קרא: "ולמדתם ועשייתם" — כל שישנו בעשיה ישנו בלמידה, כל שאינו בעשיה אינו בלמידה.

William Davidson, Vocalized Aramaic (CC-BY-NC)

یادداشت کھوت

יבמות קט, ב. נסמן לעיל ז, א.



درباره این نسخه

.the notes و our explanations ,the English translation ,This edition contains the Hebrew text

The Hebrew text of Torah Ohr: © Kehot Publication Society, via Sefaria, CC BY-NC 4.0; formatting adapted.

.Our English translation, made from the Hebrew without Kehot's notes: CC BY-NC 4.0

.Our explanations, with the overview, the questions and the page for children: CC BY-NC 4.0

The notes: Kehot's marei mekomos ("Sources and References", including the Rebbe's notes) © Kehot Publication Society, via Sefaria, CC BY-NC 4.0; formatting adapted; our notes on them: CC BY-NC 4.0.

Miqra according to the Masorah (CC-BY-SA); The Holy Scriptures: A New Translation (JPS 1917) از طریق سفاریا: (Public Domain); Daat Bereshit Rabbah (Public Domain); The Sefaria Midrash Rabbah, 2022 (CC-BY); On Your Way (Public Domain); The Judaica Press complete Tanach with Rashi, translated by A. J. Rosenberg (CC-BY); William Davidson Edition - Vocalized Aramaic (CC-BY-NC); Daf Shevui (CCo); Sefer Etz Chaim (Public Domain); Sefer Yetzirah, Warsaw 1884 (Public Domain); Sefer Yezirah, trans. by Isidor Kalisch. New York, 1877 (Public Domain); Tractate Berakot by A. Cohen, Cambridge University Press, 1921 (Public Domain)

This edition as a whole: CC BY-NC 4.0. Shuls, schools and non-profit projects may copy, print and share it freely, and may ask for donations to cover the cost of printing; it may never be sold. Credit Kehot Publication Society and likuteitorah.com. <https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0>

ترجمه و شرح انگلیسی: با کمک هوش مصنوعی (openai/gpt-6-luna-pro:batch) برای likuteitorah.com تهیه شده و با متن عبری و سفاریا مقابله شده است؛ هنوز ویراستار انسانی آن را بازبینی نکرده است. لطفاً هر مطلب مهمی را با متن عبری مقابله کنید.

ربه خواست که ماماریم پارشای آن هفته، «پارشای حسیدی»، در همان هفته و در طول هفت روز آن آموخته شوند (Sichah of Shabbos Parshas Vayakhel 5725 · Toras Menachem vol. 42, pp. 306–309 /parsha). چرا آن را بیاموزیم و برکات ربه: likuteitorah.com/about/the-chassidishe-parsha

پروژه‌ای رایگان و غیرتجاری؛ هیچ چیز در اینجا فروخته نمی‌شود. وابسته به Kehot, Sefaria یا کتابخانه لوباوویچ نیست. © likuteitorah.com

[/likuteitorah.com/fa/torah-ohr/vayeitzei/3](https://likuteitorah.com/fa/torah-ohr/vayeitzei/3) از

تقدیم به افتخار

מוקדש לכבוד הגאון המקובל רבי לוי יצחק שניאורסאהן זצ"ל

ידר ר'ה, רב לבوی ייטשאק